

# چندین حضرتی با یک صفت عاشقانه

عاشقانه



دکتر عبدالرضا جمال زاده گناوه ای  
عضو هیئت علمی دانشگاه



الله الزم الزم

**حضرت مهدی (عج)**

**چنین یارانی دارد**

عبدالرضا جمالزاده  
عضو هیئت علمی دانشگاه

جمالزاده، عبدالرضا، ۱۳۴۰-

حضرت مهدی (عج) چنین یارانی دارد / عبدالرضا جمالزاده.

قم رازبان، ۱۳۸۸.

۱۱۲ص.

۹۷۸-۹۶۴-۸۴۸۳۶-۶-۹ ریال ۱۷۰۰۰

فیبا

کتابنامه:ص. [۱۰۹]-۱۱۱.

محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. --- یاوران

مهدویت --- انتظار

۱۳۸۸ ج ۸ / ۴ / ۴ / BP۲۲۲۴

۲۹۷/۴۶۲

۱۷۱۹۲۲۰

## حضرت مهدی (عج) چنین یارانی دارد

\*\*\*\*\*

نویسنده: دکتر عبدالرضا جمالزاده گناوه ای

ناشر: انتشارات رازبان

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۸

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۷۰۰ تومان

شابک: ۹-۶-۸۴۸۳۶-۹۶۴-۹۷۸

مراکز پخش:

۱- پک تام (پخش کتب تربیتی اسلامی و مذهبی)

قم/خ صفاییه / کوچه ۳۲ / پلاک ۱۱۲ / تلفن: ۷۸ ۳۷ ۱۱۱

فروشگاه اینترنتی کتاب: [www.paktam.com](http://www.paktam.com)

۲- انتشارات رازبان ۷۷۴۵۳۷۴ - ۹۱۲۶۵۲۴۳۴۹

## تقدیم به:

- احیاکننده آثار دین و اهلش
- ویران سازنده بنیانهای شرک و نفاق
- گرامی دارنده دوستان خدا و ذلیل سازنده دشمنان او
- صاحب روز پیروزی مسلمانان و برافرازنده پرچم هدایت
- فرزند ماههای تابان و چراغهای فروزان
- فرزند نشانه های روشن و معجزات متقن
- فرزند طه، یس و ذاریات، منجی بشریت از گرداب ضلالت
- حجت خدا، بقیه الله فی الارضین، منجی بشریت از گرداب ضلالت مهدی موعود، قائم آل محمد (عج)، [روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه فداء]

## فهرست مطالب

۱۱	..... مقدمه
۱۷	..... ولادت امام زمان (عج)
۲۱	..... مشخصات امام زمان (عج)
۲۲	..... مشخصات ظاهری ایشان
۲۲	..... ارتباط از طریق نواب اربعه
۲۲	..... ضرورت شناخت امام زمان (عج) و اهمیت آن
۲۲	..... الف) حقیقت طلبی
۲۳	..... ب) روایات متعدد
۲۴	..... ج) ضرورت وجود الگو و هدایت قطعی
۲۶	..... د) لزوم وجود غایت
۲۷	..... ه) امام واسطه نزول فیض و برکات است
۲۸	..... و) از طریق انسان کامل می توان خدا را شناخت
۳۲	..... امامت حضرت حجت (عج) در منظر عقل و نقل
۳۵	..... مهدی موعود (عج) در منظر دانشمندان اهل سنت
۳۹	..... یاوران حضرت مهدی (عج)
۳۹	..... دسته اول: فرشتگان
۴۲	..... دسته دوم: جنیان
۴۳	..... دسته سوم: انسان ها
۴۴	..... اوصاف و ویژگی های یاران حضرت مهدی (عج)
۴۴	..... طریق اول: بررسی و تأمل در روایات

۴۵	طریق دوم: بررسی اهداف امام (ع).
۴۵	طریق سوم: تحلیل و بررسی حرکت امام و گستره آن
۴۷	۱. شناخت و بینش عمیق
۵۲	ارزشهای انسان در نگاه قرآن
۶۲	۲. زنده کردن یاد خدا و معارف حقه الهی
۶۶	۳. جهادگران واقعی هستند
۷۰	۴. عصیان ستیزی
۷۱	داستان علی بن مهزیار
۷۳	دشمنان دین مانند درازگوشان فراری هستند
۷۵	۵. لزوم آمادگی نظامی برای مقابله با دشمنان
۸۰	۶. یاوران حضرت مهدی عزیز و ارجمندند
۸۱	۷. اتحاد و یک دلی
۸۵	۸. ایمان و اعتقاد کامل
۸۷	آثار تربیتی ایمان
۸۷	الف) خوش بینی نسبت به نظام آفرینش
۸۷	ب) بصیرت
۸۸	ج) امیدواری
۸۹	د) اطمینان و آرامش دل
۸۹	هـ) بهره مندی از لذتهای معنوی
۹۰	و) زندگی سالم اجتماعی
۹۲	۹. عبادت و بندگی نسبت به خدا و اطاعت از رهبری
۹۸	۱۰. شجاعت
۱۰۰	۱۱. بردباری و استواری
۱۰۲	۱۲. نظم و انضباط
۱۰۵	شهره نه آسمان از حکیم عارف امام خمینی (ره)
۱۰۶	گلزار زندگی از فقیه بصیر حضرت آیت الله خامنه‌ای
۱۰۷	حسن ختام
۱۰۹	کتابنامه



## تقدیم به یکی از یاران حضرت مهدی (عج)

---

حجة الاسلام و المسلمین مرحوم حاج سید میربابا توسلی به سال ۱۳۰۵ هجری شمسی از خانواده‌ای بزرگوار و از سادات حسینی و سلسله جلیله روحانیت در روستای زاهدکلا از توابع قائم شهر به دنیا آمد، پدر او مرحوم سید میرقاسم عالمی زاهد و پارسا و مادرش عقیقه‌ای پاکدامن و با تقوی بود. وی در پنج سالگی پدر مهربان خود را از دست داد و با سرپرستی مادر فداکار و پرمهرش پرورش یافت.

دروس ابتدایی را نزد برادر بزرگوارش حجة الاسلام سید علی توسلی گذراند و در زمان نوجوانی امرار معاش مادر و خواهر به عهده ایشان قرار گرفت. او در حالی که مسئولیت معیشت و اداره خانواده را انجام می‌داد از اساتید و علمای قائم شهر و خصوصاً مرحوم استاد فرزانه و عالم صمدانی آیه الله سید محمد باقر هاشمی که هم مباحثه حضرت امام بود بهره‌های فراوانی برد و توسط آن بزرگوار ملبس به لباس روحانیت شد.

مرحوم حاج سید میربابا همواره در جهت احیاء کلمة الله و صحف علیای الهی و



کتاب آسمانی قرآن و ترویج معارف اهل بیت عصمت و طهارت با سخنرانی و تبلیغ و مداحی می‌کوشید و علاوه بر فعالیت‌های فرهنگی، کارهای مهم دیگری را انجام داد که به برخی اشاره می‌شود:

- پایه‌گذاری مراسم فاطمیه که همچنان توسط اولاد کرام ایشان ادامه دارد.

- رفع مشکلات عدیده مردم

- اطعام در مراسم مختلف اهل بیت خصوصاً در محرم الحرام

- تقید به نماز شب و نماز اول وقت

- کمک مالی و فکری برای حسینیه‌ها، پل‌ها، راه‌ها، مساجد و خانه برای فقراء

- هدیه زمین به فقراء در چند مورد

- انجام اموری که از باقیات صالحات بشمار می‌آید

و ده‌ها فعالیت و تلاش دیگر.

خدمات وی منجر به صدقات جاریه شد که از اعقاب وی ۱۸ نفر محقق، مؤلف، روحانی، معلم، مداح و قاری تربیت شدند.

در صبح روز ۱۸ دی سال ۱۳۶۲ مصادف با ولادت پیامبر(ص)، هنگام اذان صبح

چهره در نقاب تراب کشید و جان به جانان تسلیم نمود (تغمده الله برحمته)

بعد از حدود ۲۴ سال هنگامی که برای همسر عفیفه و تقیه نقیه وی در پایین

مقبره آن عالم بزرگوار جهت قبرش حفاری می‌شد دیواره قبر فرو ریخت و به

شهادت ۸ نفر از شهود عینی کفن و جسد مطهر وی سالم و از درون قبر بوی عطر

و گلاب استشمام می‌شد.

خداوند هر دو طاهر مطهر و هر دو ارادتمند به اهل بیت طهارت را در جوار اولیاء

الهی محشور نماید.

## مقدمه

اعتقاد به حضرت مهدی (عج) مطلبی نیست که به تازگی وارد مباحث و محافل اسلامی شده باشد بلکه برخی روایات وجود دارد که این عقیده از زمان حیات پیامبر نیز مطرح بوده و روایاتی از پیامبر نقل شده که وجود حضرت مهدی و ظهور آن بزرگوار را بشارت می‌دهد از جمله اینکه فرمود: دنیا تمام نخواهد شد تا اینکه مردی از اهل بیت من که مهدی نامیده می‌شود بر مردم حکومت کند؛<sup>۱</sup> یا فرموده است که بشارت باد شما را به مهدی. در هنگام پراکندگی مردم و وقوع گرفتاری‌های سخت، ظاهر می‌شود و زمین را پر از ظلم و ستم را از عدل و داد پر می‌کند، دل‌های پیروانش را سرشار از عبادت نموده عدلش همه را فرا می‌گیرد.<sup>۲</sup>

همچنین روایاتی وجود دارد که علاوه بر مسلم بودن موضوع حضرت مهدی (عج) در زمان رسول خدا ثابت می‌کند که آن بزرگوار از عترت پیامبر است از جمله اینکه مولا علی (ع) می‌فرماید: خدمت رسول خدا (ص) عرض کردم: آیا مهدی موعود از ما خواهد بود یا از غیر ما؟ پاسخ داد: از ما خواهد بود، خدا دین را به دست مهدی ختم می‌کند چنانکه افتتاحش به دست ما صورت گرفت. به واسطه ما از

۱. بحار الانوار، چاپ اسلامی، ج ۵۱، ص ۷۵.

۲. منبع پیشین، ص ۷۴.

فتنه‌ها نجات یابند چنانکه به واسطه ما از شرک نجات یافتند. خدا به برکت وجود ما کینه‌های ایام فتنه را از دل آنان زائل می‌کند چنانکه بعد از دشمنی‌های ایام شرک و بت پرستی، قلوبشان را با هم مهربان نموده در دین برادرشان می‌گرداند.<sup>۱</sup>

این عقیده در بین اهل سنت نیز منشأ روایی معتبری دارد و در کتب آنها از جمله صحاح سته ایشان روایات متعددی دال بر مطلب وجود دارد از جمله اینکه در صحیح ابن ماجه جلد دوم باب خروج المهدی نقل شده که علی (ع) از پیامبر (ص) روایت کرده که فرمود: مهدی موعود از اهل بیت من می‌باشد، خدا اسباب قیامش را در یک شب فراهم می‌سازد.<sup>۲</sup>

یا ابوسعید از رسول خدا روایت نموده که فرمود: زمین از ظلم و بیدادگری پر می‌شود، سپس مردی از اهل بیت من ظاهر شده هفت سال یا نه سال حکومت می‌نماید و زمین را پر از عدل و داد می‌کند.<sup>۳</sup>

بسیاری از علمای اهل سنت احادیث مهدی را متواتر دانسته یا تواتر آنها را از دیگران نقل کرده بدان اعتراض ننموده‌اند مانند ابن حجر هیثمی در «الصواعق المحرقة» شبلنجی در «نور الابصار»، ابن صباغ در «الفصول المهمه»، محمد الصبان در «السعاف الراغبین» و کتب بسیار دیگر.

عسقلانی می‌نویسد: خبر متواتر مفید یقین است و عمل کردن به آن نیازی به بحث ندارد.<sup>۴</sup>

۱. منبع پیشین، ص ۸۴.

۲. صحیح ابن ماجه، ج ۲، باب خروج المهدی، ص ۵۱۹.

۳. مسند احمد، ج ۳، ص ۲۸.

۴. ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۲۹.



به هر حال عقیده به وجود حضرت مهدی و ظهور آن بزرگوار بین مردم مسلمان در عصرهای گوناگون در طول قرن‌ها همواره به عنوان یک اصل مسلم و مورد اعتقاد مطرح شده است و مردم انتظار ظهور و فرج آن بزرگوار را می‌کشیدند تا جهانیان را از ظلم و ستم و فساد و بدبختیها و ناکامیها نجات دهد و در سایه عدالت آن عدالت گستر به احقاق حقوق از دست رفته خود بپردازند. او که با ترویج مکتب متعالی اسلام و ارائه مفاهیم ناب اسلام محمدی و نشان دادن چهره واقعی اسلام که در پس گرد و غبارهای معرفتی نمایان نبوده است چهره جذاب و مترقی اسلام را نشان می‌دهد.

او که تأویل آیه «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ الْأُولِيَّينَ» را آشکار می‌سازد.

او که اجراء کننده صحیح احکام اسلامی است و در عین رأفت و محبت، حدود الهی را اجرا می‌کند او که ویرانگر بنیانهای شرک و نفاق و ظلم و ستم است.

او که پیروان اسلام را به جایگاه واقعی شان ارتقاء می‌دهد و آنها را از انحطاط و عقب افتادگی نجات می‌دهد. به راستی مسلمانان با این همه نیرو و منابع انسانی و منابع و معادن زیرزمینی و روزمینی و با استعدادهای سرشار و درخشان چرا عقب افتاده‌اند و چرا وابسته به اجانب هستند؟! چرا ما مسلمانان گرفتاریهایمان بیشتر می‌شود؟! گرفتاریهایمان بیشتر می‌شود؟! گرفتاریهایمان بیشتر می‌شود!؟

آیا جز این است که از احکام نورانی اسلام و مکتب حیاتبخش قرآن فاصله گرفته‌ایم؟! گرفتاریهایمان بیشتر می‌شود!؟

مسلمانان جهان از طرفی گرفتار خودکامگان و ستمگران و طواغیت کوچک و بزرگ در دنیا هستند که ثروت مادی و معنوی مسلمانان را به یغما می‌برند و از طرفی گرفتار تحریفات و تفسیرهای پوچ و بی اساس عالمان و روحانیون خودرأی و وابسته

به دنیا و ظواهر دنیوی هستند که دین را مطابق رأی و اندیشه حاکمان ظلم و ستم تفسیر می‌کنند و یا با سکوت خود در برابر طغوتها، صخه بر اعمال آنها می‌نهند و اینها نه تنها زمینه ساز تاراج ثروت‌های مادی مسلمانان هستند بلکه خود فکر و اندیشه صحیح و سالم را از مسلمانها می‌ربایند و زمینه استثمار و استعمار و تحمیق مردم را فراهم می‌کنند.

جهل و ترس دو عامل اساسی انحطاط مسلمانان در سراسر کره خاکی است که اولی مستمسک اندیشمندان بی اندیشه و دانشمندان مادی پرست و هوی پرست می‌باشد و دومی عاملی است که ستمگران با استفاده از آن به آمال و آرزوهای خود می‌رسند.

مکتب جانفزا و روح بخش اسلام با هر دو عامل مبارزه می‌کند و سعی در ریشه کن نمودن آنها دارد. اسلام مایل است که علم و اندیشه را بارور سازد و جهل و نادانی و گمراهی را از انسانها دور سازد.

اسلام و قرآن کریم همواره توصیه به دانش نموده است و دانشوران و اندیشمندان را برترین انسانها دانسته و از آن طرف ترس از غیر خدا را مذموم و ممنوع نموده است و حریت و آزادی زائیده علم و شجاعت است. عبودیت و تعبد اگر منحصر به ذات اقدس الهی شد و مؤثر در هستی را اگر تنها او دانستیم با تدبیر و محاسبه گری و برنامه ریزی و با روحیه ای قوای و توانمند فضا را برای خود عطر آگین و دلها را متصل به حبل متین با اعتقادات توأم با یقین می‌سازیم.

و این رساله و جیزه که در خصوصیات یاران آن محور حق و عدالت گستر حقیقی و قیام کننده به حق و برطرف کننده موانع حریت و آزادی و روشنگر واقعی و زداینده ترس و وحشت در برابر ما سوی الله نگاشته شده است. در پی این است که تذکاری باشد برای خود و دیگران که مدعی یاری و یآوری حضرت مهدی (عج) هستیم و

بدانیم که اوصاف آن بزرگوار و قیام او و یارانش چیست؟ و ما در کجای این همیاری و همراهی هستیم؟ و در واقع این رساله، آینه‌ای است که برای علاقمندان به یاری آن بزرگوار در حدّ فرصت و بضاعت گردآوری شده است تا خود را به آن عرضه نماییم، باشد که خدمتی هر چند کوچک و کوتاه در انقلاب بزرگ و اصیل آن پرچمدار عدل و داد شده باشد.

الحمد لله رب العالمین

عبدالرضا جمال زاده



## ولادت امام زمان (عج)

بر اساس شواهد تاریخی و حکایات متعدد دانشمندان شیعی و سنی و روایات متعددی که از پیشوایان دین به ما رسیده است حضرت مهدی (عج) فرزند بلافصل امام حسن عسکری (ع) است.<sup>۱</sup> امام حسن عسکری (ع) در شهر مدینه در ۲۴ ربیع الاول سال ۲۳۲ هـ ق متولد شد و به سال ۲۶۰ در سن ۲۸ سالگی در سامرا به شهادت رسید.<sup>۲</sup>

مادر بزرگوار آن حضرت «ملیکه» نام دارد که از طرف پدر، دختر «یشوعا» فرزند امپراطور روم شرقی بود و از طرف مادر نوه شمعون از یاران حضرت عیسی (ع) می باشد.

وی به سال ۲۶۱ هجری قمری از دنیا رفت و آرامگاه او در سامرا کنار مرقد مطهر و شریف امام حسن عسکری (ع) است. نامهای دیگر او «نرجس خاتون»، «ریحانه»، «صقیل» و «سوسن» می باشد و خواهر امام هادی (ع) حکیمه او را به عنوان سیده (خانم) می خواند.<sup>۳</sup>

---

۱. در باره اینکه حضرت مهدی (عج) فرزند بدون واسطه امام حسن عسکری و از صلب شریف اوست ۲۹۳ حدیث در کتاب ارزشمند «منتخب الاثر» تألیف آیت الله صافی گلپایگانی ارائه شده است.

۲. ارشاد شیخ مفید، صفحه ۳۰۶.

۳. ریاحین الشریعه، جلد ۳، صفحه ۲۵ به نقل از کتاب «حضرت مهدی (عج) فروغ تابان ولایت» نگارش محمد محمدی اشتهاردی، صفحه ۲۳.

امام زمان (عج) در شب جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری در زمان حکومت معتمد عباسی در سامرا متولد شد.

فشارها و سختگیری‌ها به امامان به حدی بود که تولد آن حضرت را جز عده‌ای خاص نمی‌دانستند، ستمگران عباسی دنبال این بودند که امام حسن عسکری (ع) را که نشانه‌های فراوانی وجود داشت که مهدی موعود (عج) فرزند بدون واسطه اوست از بین ببرند و با هلاکت او از تولد امام زمان (عج) جلوگیری کنند.

امام حسن عسکری هر از گاهی نوید فرزندش را به یاران می‌داد:

«بزودی خداوند به من فرزندی خواهد داد و لطف و عنایتش را شامل من خواهد نمود»<sup>۱</sup>

او به کرات با ذکر آیه شریفه زیر، توطئه‌های دشمنان را بی اثر می‌دانست:

«يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»<sup>۲</sup>

«آنها می‌خواهند نور و روشنایی خدا را با دهانشان خاموش کنند ولی خدا تمام

کننده نور خود خواهد بود هر چند کافران را کراهت باشد.»

حکیمه خاتون عمه امام حسن عسکری (ع) می‌گوید: روز پنجشنبه نیمه شعبان

به منزل برادرم رفتم، هنگام مراجعت، امام عسکری (ع) فرمود: امشب را نزد ما باش، امشب فرزندی که خداوند زمین را به علم و ایمان و هدایت او زنده گرداند متولد می‌شود.

بالاخره ماندم صبح صادق حالت اضطراب در نرجس خاتون (علیهما سلام) پدید

آمد، او را در برگرفتم، امام (ع) فرمود: سوره قدر را بر او بخوان، مشغول خواندن

۱. «اثبات الوصیه» مسعودی، صفحات ۲۶۸ - ۲۷۰.

۲. سوره صف، آیه ۸.

سوره قدر شدم شنیدم آن کودک در رحم مادر در خواندن سوره با من همراهی می‌کند در این موقع پرده‌های بین من و آنها افکنده شد، دیگر نرجس را نمی‌دیدم، از آنجا سراسیمه دور شدم امام عسکری (ع) فرمود: برگرد، برگشتم در نرجس (علیها سلام) نوری مشاهده کردم که دیده‌ام را خیره کرد و امام زمان (ع) را دیدم رو به قبله به سجده افتاده سپس دستش را بلند کرد و می‌گفت: گواهی می‌دهم به یکتایی خدا و اینکه جدم، رسول خدا (ص) است و پدرم امیرمؤمنان (ع)، وصی رسول خدا است بعد یک یک امامان را شمرده تا به خود رسید.

او را به نزد پدر بردم، امام حسن عسکری (ع) تا او را دید به دست گرفت و پس از خواندن آیاتی از قرآن و انجیل و تورات و زبور این آیه را تلاوت فرمود:

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَهْلًا وَمَوْلَىٰ لَهُمْ وَاللَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ لَهُمْ فِيهَا ذُرِّيَّتٌ وَلَهُمْ فِيهَا مِمَّا كَانُوا يَمْتَرُونَ»<sup>۱</sup>

«اراده ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفین، نعمت بخشیم و آنها را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم، حکومتشان را پابرجا سازیم و به فرعون و هامان و لشکریان آنها آنچه را بیم داشتند از این گروه نشان دهیم.»<sup>۲</sup>

نقل است وقتی امام قائم (عج) متولد شد، پاک بود و هیچ آلودگی نداشت و در بازوی راستش این آیه نوشته شده بود:

«جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»

«حق آمد و باطل نابود شد، همانا باطل نابودشدنی است»

۱. سوره قصص، آیه ۵ و ۶.

۲. کشف الغمه، جلد ۳، صفحات ۴۰۶ - ۴۰۵، به نقل از فروغ تابان ولایت، صفحه ۲۳ - ۲۵.



و بدین ترتیب در آن فضای رعب و وحشت و اختناق و استبداد، دوازدهمین اختر تابناک ولایت و امامت، هادی بشر و عقل چهاردهم و نجات دهنده گمراهان از وادی ضلالت و تیه هلاکت، امام زمان (عج) پا به عرصه هستی گذاشت و عده پیروزی مستضعفان و محرومان بر ستمگران و مستکبران، اعلام شد. به امید ظهورش و تحقق آرمان الهی و نابودی خونخواران و دشمنان دین.

«انشاء الله»

نام: محمد، احمد

لقب: قائم، حجة الله، بقية الله، منتظر، طاووس اهل الجنة، نورالله  
 آباء و اجداد: از ناحیه پدر امام حسن عسکری (ع) از نسل امام  
 حسین (ع) و از ناحیه مادر از نسل امام حسن (ع) است.  
 مادر محترمه: ملیکه یا نرجس خاتون که از طرف پدر دختر «یشوعا» و  
 از طرف مادر نوه «شمعون»

سال تولد: ۲۵۵ هجری قمری در عصر خلافت معتمد عباسی

ماه تولد: نیمه شعبان

روز تولد و لحظه آن: سحرگاه جمعه

محل تولد: سامرا (منزل پدری)

مشخصات

قابله ایشان: حکیمه خاتون عمه بزرگوار پدرشان

امام زمان

خصوصیات حمل و ولادت: مانند حضرت موسی تا لحظه ولادت

(عج)

مخفی از همگان

دوران تربیت: توسط پدر بزرگوارشان و روح القدس

ابتدای امامت: هشتم سال ۲۶۰ هجری قمری

سن واقعی آن بزرگوار: ۱۱۷۰ تا ۱۴۲۶ هجری قمری

سن ظاهری موقع ظهور: به سیمای شخص جوان بین ۳۰ تا ۴۰ سال

روز ظهور: عاشورایی که مصادف با جمعه باشد

مکان ظهور: مکه

پایگاه و مرکز حکومت: کوفه

محل زندگی: مکانهایی مثل مدینه، دشت حجاز، کوه رضوی، کرعه، در

مناطق دوردست و جزیره‌ها گفته شده است و پس از ظهور مسجد سهله

محل اقامه نماز: مسجد کوفه

## مشخصات ظاهری ایشان

قامت: کشیده و بلند، گشاده پیشانی، ابرو کمانی و کشیده

صورت: خوشرو و درخشنده و محاسن سیاه رنگ و پرپشت، شبیه‌ترین فرد به رسول

خدا(ص)

دوران غیبت صغری: از سال ۲۶۰ تا سال ۳۲۹ هجری قمری (حدود ۷۰ سال)

## ارتباط از طریق نواب اربعه

دوران غیبت کبری: از سال ۳۲۹ هجری قمری تا کنون ادامه دارد. حکومت

بوسیله ولی فقیه اداره میشود.

## ضرورت شناخت امام زمان (عج) و اهمیت آن

اکنون چه نیازی است که ما نسبت به معصومین و به طور خاص نسبت به حضرت

حجت (عج) آگاهی و شناخت پیدا کنیم؟ این آگاهی کدام نیاز و مشکل جامعه کنونی

ما را حل می‌کند؟ و چرا این قدر اهمیت دارد که رسول خدا(ص) فرمود:

«من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة»

«هرکس بمیرد و امام زمانش را نشناسد او به مرگ جاهلیت مرده است»<sup>۱</sup>

برای پاسخ به این سؤال می‌توان در ابعاد و جهات مختلف بحث و بررسی

نمود و دلایل متعدد اقامه کرد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

## الف) حقیقت طلبی

انسانها فطرتاً کنجکاو و حقیقت طلب هستند همانگونه که عقل کل حضرت

ختمی مرتبت دعا می‌فرمود که:



«اللهم ارنا الا شياء كما هي»

«خدایا حقیقت اشیاء را همانگونه که هستند به من بنمایان»

انسان نمی‌تواند نسبت به حوادثی که در جهان او و اطرافش رخ داده است بی تفاوت باشد، او می‌خواهد حوادث و حقیقت آنها را بشناسد و علم به آنها پیدا کند. بشر موجودی است که ویژگی ممتاز او از سایر موجودات یعنی حیوانات و نبات و جمادات این است که او دارای قوه عاقله است و بر همین اساس به جستجوگری می‌پردازد. امامان شیعه (ع) و حرکت و تأثیرگذاری آنها و تلاشهای فراوان و مؤثر که در رشد و شکوفایی دین مبین اسلام انجام دادند اعم از جنگها، مناظرات فقهی و کلامی، ایجاد حوزه علمیه، کارهای سیاسی و... و دهها کار و فعالیت دیگر در قطعه گسترده‌ای از زمان هیچ انسان آگاه و بیداری را آرام و خاموش نمی‌نهد و بلکه او را وامی‌دارد تا به تحقیق درباره ایشان بپردازد و از جمله وجود شریف امام زمان (عج) که ابعاد شگفت‌آمیزی در اطراف ولادت و زندگی و ارتباطات با آن بزرگوار وجود دارد بنابراین حقیقت طلبی و کنجکاوی که از امور فطری مختص انسان است او را وامی‌دارد تا نسبت به آن بزرگان آگاهی پیدا نماید.

#### ب) روایات متعدد

احادیث و روایات متعدد و فراوانی که بسیاری از آنها به حد تواتر رسیده است درباره اهمیت شناخت امام و ضرورت آن وارد شده است که دانشمندان دینی در زمانهای مختلف در جمع آوری آن زحمات طاقت فرسایی را بر خود هموار نموده‌اند. اینکه پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: مردن در حال نشناختن امام زمان مساوی است با مرگ جاهل یا امام باقر (ع) پس از بیان فرمایش پیامبر رحمت (ص) می‌فرماید:

«لَا يُعْذَرُ النَّاسُ حَتَّىٰ يَعْرِفُوا إِمَامَهُمْ»

«مردم معاف و معذور نیستند به اینکه امام خود را نشناسند»<sup>۱</sup>

و صدها روایت دیگر همگی ضرورت علم و آگاهی نسبت به هادیان بشری و پیشوایان شیعی را ثابت و روشن می‌سازد.<sup>۲</sup>

### ج) ضرورت وجود الگو و هدایت قطعی

انسان موجودی مختار و انتخابگر است و خداوند متعال برنامه‌های سعادت و رسیدن به کمال را برای او مشخص نموده است و او می‌تواند بر اساس تکلیف و انتخاب خود با صفت اختیار که اختصاصی او است مسیر خود را انتخاب نماید:

«إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»<sup>۳</sup>

«ما راه را به انسان نشان داده‌ایم و او را هدایت کرده‌ایم حال شاکر یا کافر باشد.»  
بشر برای وصول به غایت نهایی که همان قرب الی‌الله و کمال مطلوب است نیازمند به اسوه و الگو است چنانچه خدای سبحان فرمود:

«و لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»<sup>۴</sup>

وجود اسوه، آینده‌ای روشن برای انسان ترسیم می‌نماید و او در سرعت بخشیدن و عمق بخشی به اعمال و افعال خود راسخ‌تر و آگاهانه‌تر عمل می‌کند.

امامان (ع) صراط مستقیمی هستند که شناخت کامل آنها، انسان کامل را معرفی می‌کند و انسان می‌تواند بدون دغدغه و شبهه‌ای مسیر صحیح را از ناصحیح

۱. بحار الانوار، جلد ۲۳، صفحه ۸۸.

۲. علاقمندان می‌توانند به کتابهایی از قبیل منتخب الاثر، بحار الانوار، ارشاد مفید، غیبت نعمانی، معجم احادیث المهدی، مهدی منتظر و دهها کتاب دیگر مراجعه نمایند.

۳. سوره انسان، آیه ۷۶.

۴. سوره احزاب، آیه

بازشناسد. وقتی از امام صادق (ع) معنا و مفهوم «صراط المستقیم» در سوره حمد خواسته شد حضرت فرمود:

«نحن والله الصراط المستقیم»

«قسم به خدا ما صراط مستقیم هستیم»

یا از امام باقر (ع) مفهوم «صادقین» در آیه:

«اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»<sup>۱</sup>

«از خدا بترسید و با راستگویان باشید.»

خواسته شد و حضرت فرمودند: «مقصود ما هستیم»

آن بزرگواران سالکانی هستند که عین سلوک هستند، راه و رونده در مورد آنان یکی است و به همین دلیل احتمال خطا و انحراف و سهو و نسیان در مورد آنها وجود ندارد و از طرف دیگر هرکسی در روز قیامت با امام و رهبر خود محشور می‌شود و از او حسابرسی می‌کنند چنانچه در کلام حکیمانه خدای حکیم آمده است:

«يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ»<sup>۲</sup>

«روزی که هر قومی را با امامشان دعوت می‌کنیم»

امام محمد باقر (ع) در تفسیر این آیه می‌فرماید:

«در آن روز رسول خدا (ص) و حضرت امیر و حسن بن علی و حسین بن علی (ع) با

قوم خود می‌آیند و هرکس که در عصر هر امامی از دنیا رفته، آن روز با آن امام

محشور می‌شود.»<sup>۳</sup>

۱. سوره توبه، آیه ۱۱۹.

۲. سوره اسراء، آیه ۷۱.

۳. الفصول المهمه، جلد ۱، صفحه ۳۵۵.



**د) لزوم وجود غایت**

خداوند متعال حکیم است و بر اساس حکمت، هیچ موجودی را بدون غایت و هدف نیافریده است چنانچه در کلام حکیمانهاش فرموده است:

«افحسبتم انما خلقناکم عبثاً»

«آیا گمان می‌کنید که ما شما را عبث آفریده‌ایم.»

ضرورت وجود غایت امری مبرهن و روشن است که در گفتار فلاسفه و در مکاتب مختلف آشکار و ثابت شده است زیرا موجود بدون غایت ابتر است و خلقت او ناقص است و چنین کاری از موجود حکیم سر نمی‌زند زیرا امری قبیح است و از طرف دیگر اصلاً بدون غایت، حرکتی در عالم صورت نمی‌گیرد خصوصاً اگر فاعل موجود مختار و باشعور باشد زیرا همانگونه که حکماء فرموده‌اند: «غایت بر فعل تصوراً مقدم است و وجوداً مؤخر است»<sup>۱</sup> یعنی برای انجام کار و حرکت نیاز است که غایت تصور شود و در واقع تصور غایت موتور محرکه فاعل است که هم او را حرکت می‌دهد و هم به حرکت او سمت و سو می‌دهد گرچه در عالم خارج؛ از وجود فعل، متأخر است.

امامان و پیشوایان معصوم (ع) نیز غایات عالم هستی هستند زیرا آنان انسانهای کاملی هستند که تمامی حرکات کمالی و صعودی انسان بر آن سمت است و کاروان بشریت زمانی به کمال نهایی و سعادت دنیوی و اخروی می‌رسد که به سمت این غایات حرکت کند.

عارف نامدار شیخ محی‌الدین عربی معتقد است انسان کامل علت غایی برای ایجاد عالم است همانگونه که در خبر وارد است:

۱. علامه طباطبایی، نه‌ایة الحکمة، مرحله علت و معلول.

«لولاک لما خلقت الافلاک و لا الجنة و الا النار»<sup>۱</sup>

شیخ مکی در شرح عبارت ابن عربی گوید: «از نظر ایشان انسان کامل سبب وجود عالم است و در فص آدمی فرموده است: «فهو للحق بمنزلة انسان العین من العین» و دلیل را اینگونه آورده است: «فانه به نظر الحق الی خلقه فیرحمهم» یعنی حق به سبب ایشان نظر به خلق کرد و ایشان را رحمت کرد و از عدم به وجود آورد، آن چنانکه در حدیث «لولاک لما خلقت الافلاک» آمد پس شیخ انسان را علت غایی نظر حق نسبت به عالم دانسته آن چنانکه مردمک چشم علت فاعلی نظر است پس هر دو در آن شریک اند که علت نظراند تفاوت در این باب آن است که یکی علت فاعلی است و یکی علت غایی و شیخ انسان را به منزله مردمک چشم دانسته از جهت آنکه علت غایی است نه علت فاعلی.<sup>۲</sup>

#### ه) امام واسطه نزول فیض و برکات است

چون انسان سبب وجود افراد و غایت خلقت است واسطه میان حق و خلق است و به واسطه وی فیض وجود از حق تعالی به موجودات می‌رسد و به قول خواجه پارسا در شرح فصوص الحکم حتی ملائکه فیض وجودی خود را از انسان کامل می‌گیرند. به خاطر فضیلت انسان کامل، موجودات عالم مستخر او هستند. انسان کامل به خاطر برخورداری از اسماء الهی می‌تواند در عالم تصرف کرده و آن را اداره نماید. بر همین اساس در ادعیه و معارف الهی فراوان آمده است که به واسطه آن انسانهای کامل یعنی پیشوایان معصوم، برکات آسمانی و زمینی بر موجودات ارزانی داشته می‌شود و ارزاق بر آنها فرود می‌آید و بلا یا از جامعه دفع می‌گردد و

۱. رسائل ابن عربی، صفحه ۷۱.

۲. الجانب الغربی، صفحه ۵۶-۵۷.

سعادت‌ها و کمالات در جامعه پدیدار می‌شود چنانچه در زیارت جامعه کبیره آمده است:

«بِکُمْ فَتَحَ اللَّهُ، وَ بِكُمْ يَخْتَمُ، وَ بِكُمْ يُنْزَلُ الْغَيْثُ، وَ بِكُمْ يُمْسِكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بَازْنَةً وَ بِكُمْ يُنْفَسُ الْهَمُّ وَ يَكْشِفُ الضُّرَّ...»<sup>۱</sup>

«خداوند عالم وجود را به شما آغاز کرد و به شما نیز ختم کند و به خاطر شما فرو ریزد باران را و به خاطر شما است که آسمان را نگه دارد از اینکه به زمین افتد جز به اذن او، و به خاطر شما بگشاید اندوه را و برطرف کند سختی را...»

اگر امام چنین جایگاه عظیمی در خلقت دارد و به راستی اگر امام و حجت نباشد زمین اهل خود را فرو می‌برد و نابود می‌شود در این صورت آیا معقول است ما نسبت به چنین شخصی غافل باشیم و آگاهی نسبت به او پیدا نکنیم؟ آیا کمترین توقع از ما در مقابل چنین موجودات شریف و ارزشمندی، شناخت نسبت به آنها نیست؟ آیا پیشوایان دین که عادت آنها احسان و اخلاق و خصوصیت آنها کرم و سخاوت به موجودات دیگر است نباید نسبت به آنها معرفت پیدا کرد؟

**(و از طریق انسان کامل می‌توان خدا را شناخت**

آیات و دلایل واضح و روشنی در آفاق و انفس و مخلوقات و آفریده‌های جهان وجود دارد که وجود خدای سبحان و وحدت و یگانگی و الوهیت و صفات او را ثابت می‌کند. قرآن کریم در آیات متعدد و فراوانی توجه به این طریق داده است از جمله در آیات زیر که ترجمه آنها را ارائه می‌دهم:

«مَحْقَقًا دَر خَلْقَتِ أَسْمَانِهَا وَ زَمِينِ وَ رَفْتِ وَ أَمْدِ شَبِّ وَ رَوْزِ وَ كَشْتِيهَا كَهْ بَه رَوِي  
أَبْ بَرَايِ انْتِفَاعِ خَلْقِ دَر حَرَكْتِ اسْتِ وَ بَارَانِي كَه خُدَا اَز بَالَا فَرُو فَرَسْتَاد تَا بَه أَنْ

۱. مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

آب، زمین را بعد از مردن (و نابود شدن گیاه آن) زنده کرد و سبز و خرم گردانید و در برانگیختن انواع حیوانات در زمین و در وزیدن بادهای به هر طرف و در خلقت ابر که میان زمین و آسمان مسخر است، در همه این امور (عالم چون همه با نظم و حکمت است) برای عاقلان ادله‌ای واضح بر علم و قدرت آفریننده است.<sup>۱</sup>

هرگاه انسان در مضمون این آیات و نشانه‌ها تأمل نماید و در عجائب و شگفتی‌های آفریده‌های پروردگار در زمین و آسمانها و مخلوقات حیوانی و انسانی توجه نماید پی خواهد برد که این امور بدون صانع و مدبر نخواهد بود و فاعلی خواهد داشت که محکم نماید و اندازه‌گیری صحیح بنماید و حتی فطرت انسانها شهادت می‌دهد که آنها مقهور و مسخر، قدرت و اراده و تدبیر پروردگار هستند و به همین دلیل خداوند سبحان فرموده است:

«أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ»<sup>۲ و ۳</sup>

و فِي كُلِّ شَيْءٍ لَهُ آيَةٌ تَدُلُّ عَلَىٰ أَنَّهُ وَاحِدٌ

انسان کامل که وجود شریف پیشوایان معصوم دینی یعنی امامان هدایت و کوبان راستین ولایت هستند بزرگترین نشانه خداوند و اثبات وجود پروردگار هستند چنانچه در دعاها خطاب به امام زمان (عج) می‌شود که:

«السلام عليك يا آية الله العظمى»

در مکتب عرفان خصوصاً در کلام عارف نامدار ابن عربی انسان کامل می‌تواند

۱. سوره بقره آیه ۱۶۴ - ۱۶۶ و همچنین آیات ۹۵ - ۹۹؛ سوره انعام و ۳ - ۴ سوره رعد و ۶۶ - ۶۹ و

۷۹؛ سوره نحل و ۲۰ - ۲۵؛ سوره روم و ۳ - ۵ سوره جاثیه و ۵ - ۶ سوره یونس همگی بر وجود

خداوند از طریق آیات و نشانه‌ها ارائه دلیل می‌نماید.

۲. سوره ابراهیم، آیه ۱۰.

۳. کاوشی در آراء کلامی فیض کاشانی، صفحه ۶۰.



نشانه کامل و راستین پروردگار باشد زیرا انسان کامل موجودی است که به وسیله او سرّ حق به حق ظاهر می‌گردد. مراد از سرّ حق کمالات ذاتیه پروردگار است که تنها انسان قادر است آنها را نشان دهد. زیرا کمالات ذاتیه خداوند آن‌گاه که در غیب مطلق بود خداوند خواست تا در عالم شهادت آنها را مشاهده نماید لذا انسان کامل را آفرید تا در آینه وجود او خود را مشاهده نماید.

امامان (ع) مظهر جمیع اسماء حق تعالی هستند و متصف به صفات گوناگون هستند حتی صفات متضاد نیز در او جمعند از قبیل جلال و جمال، ظاهر و باطن، اول و آخر،... پس خدا را باید به وسیله ایشان شناخت.<sup>۱</sup>

انسان کامل به اعتباری جزو عالم است و به اعتباری دیگر خود عالمی مجزاست. از آن جهت که انسان جزو دایره وجود است و دایره وجود به او ختم می‌شود و به بیانی، متمم دایره وجود عینی است، جزو عالم وجود به شمار می‌آید اما از آن جهت که محل نقش اسماء الهی است عالمی مستقل به حساب می‌آید و عنوان خلیفة الله را پیدا می‌کند.

حق تعالی انسان را به صورت خود آفریده است:<sup>۲</sup>

«ان الله خلق آدم علی صورته»

«ان الله خلق آدم علی صورة الرحمن»

و از همین جاست که معرفت انسان به نفس خود مقدم بر معرفت رب است و معرفت رب نیز نتیجه معرفت نفس است (من عرف نفسه فقد عرف ربه) بنابراین شناخت و معرفت امامان واسطه شناخت پروردگار است.

۱. فتوحات مکیه، در عبارات مختلف و متعدد آمده است.

۲. همان

و چه نیک سروده است مولوی رومی در کتاب شریف مثنوی:

هر که خواهد همنشینی با خدا      گو نشیند در حضور اولیاء  
از حضور اولیاء گر بگسلی      تو هلاکی، زانکه جزو بی کلی<sup>۱</sup>

\*\*\*

چون شوی دور از حضور اولیاء      در حقیقت گشته یی دور از خدا  
سایه شاهان طلب هر دم شتاب      تا شوی زان سایه، بهتر ز آفتاب  
و در جای دیگر وجود انسان کامل را اصل جهان و غایت خلقت می‌داند و  
بقیه موجودات را طفیل و پیرو آن:

خود جهان آن یک کس است و باقیان      جمله اتباع و طفیلند ای فلان  
مولوی معتقد است در جهان آفرینش هیچ موجودی با انسان، قابل مقایسه  
نیست:

جمله پاکیه از آن دریا برند      قطره‌هایش یک به یک مینا گرند

بنابراین اگر آن همه روایات بر ضرورت شناخت اهل بیت و از جمله حضرت  
حجت (عج) دلالت دارد و آنها الگو و اسوه بشری هستند و واسطه نزول برکات  
الهی و دفع بلاها و مصیبت‌ها و غایت خلقت به شمار می‌آیند و شناخت خداوند  
به شناخت آنها مرتبط است و دهها دلیل و عامل دیگر نمی‌توان از شناخت آن  
بزرگواران چشم پوشی نمود و به سادگی از کنار آن گذشت و به همه این دلایل بر  
ما فرض و ضروری است که نسبت به وجود عالی متعالی و منشأ خیر و برکات  
یعنی امام زمان (عج) شناخت عمیق‌تر پیدا کنیم ان شاء الله.

### امامت حضرت حجت (عج) در منظر عقل و نقل

همانگونه که بر امامت مولی الموالی علی عالی (ع) دلائل متعدد عقلی و نقلی ارائه شده است به گونه‌ای که علامه حلی (ره) در کتاب «الالفین» دو هزار دلیل اقامه نموده است بر امامت و ولایت بقیه حجج، به ویژه عصارة خلقت و غایت فطرت، انسان کامل و مصلح عامل حضرت حجت (روحی و ارواح العالمین لمقدمه فداء) نیز دلیلهای فراوانی اقامه شده است.

دلایل را می‌توان به دو قسم مشترک و مختص تقسیم نمود. دلایل مشترک به آن استدلالهایی گفته می‌شود که بر همه پیشوایان به طور یکسان دلالت دارد و اختصاص به یک امام ندارد بلکه می‌توان برای همه رهبران آسمانی و پیشوایان دینی اقامه نمود مانند وجوب پیروی از افضل یا لزوم عصمت که دلیل بر امامت همه آن بزرگواران است.

اما دلایل اختصاصی به آن براهین و ادله‌ای گفته می‌شود که برای هر کدام از امامان جداگانه مطرح می‌شود و ویژه آنان است به عنوان مثال آیه ولایت و بحث زکات در رکوع اختصاص به حضرت امیر (ع) دارد و با بیان دیگر و تنقیح مناط می‌توان شامل دیگر بزرگواران نمود.

در مقام عقل و استدلال براهین متعدد و فراوانی بر امامت حضرت حجت (عج) وجود دارد از جمله اینکه عقل و خرد حکم می‌کند در هر عصری جامعه بدون امام و پیشوا نباشد زیرا جامعه بدون امام نظم و نظامی ندارد و دچار هرج و مرج و از هم پاشیدگی می‌شود.

همانگونه که از امام رضا (ع) آمده است: الامامة نظام الامّة

و از طرفی این امامت ویژه کسی است که از دیگران افضل است و ویژگیها و اوصاف شایسته و برتر در او نهفته است و کسی در شرایط خاص رهبری نسبت

به او سرآمد نباشد. گرچه ابن ابی الحدید معتزلی در یک بیان غیرمنصفانه گوید: «الحمد لله الذی قدم المفضل علی الفاضل»<sup>۱</sup> ولی عقل و حکمت حکم می‌کند که افضل و فاضل بر مراتب پایین‌تر مقدم و اولی است و چگونه عقل بشری چنین حکم کند اما خدایی که آفریننده عقل است فرمان ناب عقل محض را تخطئه نماید؟!

بر اساس گواهی شاهدان و بیان تاریخ و اقرار پیشوایان پیشین در هیچ عرصه‌ای اعم از علم و حلم، زهد و تقوی، شجاعت و دیانت و سایر ویژگیها افضل از حجت خدا و خاتم الاوصیاء امام زمان (عج) کسی نبوده است بنابراین با یک استدلال ساده عقلی می‌توان امامت آن بزرگوار را ثابت نمود. البته هر کدام از ویژگیها و اوصاف بارز حضرت را نیز می‌توان حد وسط برای استدلالی جداگانه قرار داد و به تعداد اوصاف ممتاز و خصوصیت برجسته، دلیل جدید و ممتاز ارائه نمود. امامت حضرت بقیة الله را از طریق قرآن و روایات نیز می‌توان ثابت نمود که به عنوان نمونه به دو آیه اشاره می‌شود:

آیه اول:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»<sup>۲</sup>

ما در زبور داود، بعد از ذکر (تورات) نوشته‌ایم که سرانجام، زمین را بندگان شایسته ما به ارث می‌برند.

امام محمد باقر (ع) فرمود:

«این بندگان شایسته که وارثان زمین می‌شوند، اصحاب مهدی هستند در

آخر الزمان.»

۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، جلد ۱.

۲. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

امین الاسلام طبرسی صاحب تفسیر گرانسنگ مجمع البیان ذیل حدیث گوید:  
حدیثی که شیعه و سنی، از پیامبر (ص) روایت کرده‌اند، بر گفته‌ی امام باقر (ع)  
دلالت دارد که فرمود:

«اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را آن قدر طولانی  
می‌گرداند تا مردی صالح از اهل بیت من برانگیزد و جهان را، همانگونه که از ستم  
پر شده است از عدالت و دادگری لبریز نماید.»

آیه دوم:

«بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین...»<sup>۱</sup>

«بقیة الله (ذخیره خداوندی) برای شما بهتر است اگر مؤمن باشید.»

شیخ ابو منصور طبرسی، در کتاب «الاحتجاج» از امیرالمؤمنین (ع) روایت  
کرده است که فرمود:

بقیة الله یعنی مهدی، که پس از گذشتن این دوره خواهد آمد و زمین را از قسط  
و عدل پر خواهد نمود همانگونه که از ظلم و جور پر شده باشد.<sup>۲</sup>

آیات متعدد دیگری در قرآن کریم بر وجود و ظهور حضرت دلالت دارد<sup>۳</sup> و این  
آیات علاوه بر اینکه در تفاسیر امامیه چنین تفسیر شده است در تفاسیر معتبر  
اهل سنت نیز آیات فراوانی بر حضرت مهدی (عج) تطبیق داده شده است.<sup>۴</sup>

۱. سوره هود، آیه ۸۶.

۲. تفسیر «نور الثقلین»، جلد ۲، صفحه ۳۹۰.

۳. آیات (۵) از سوره قصص، (۵) از سوره مائده، (۲۴) از سوره نور، (۹) از سوره توبه، (۱۱۴) از سوره  
بقره، (۳۳) از سوره اسراء، (۱۵۸) از سوره انعام، (۴) از سوره دخان و دهها آیه دیگر بر وجود نازنین  
حضرت دلالت دارد.

۴. برخی تفاسیر اهل سنت که بر موضوع دلالت دارند عبارت‌اند از: تفسیر کشاف زمخشری،



### مهدی موعود (عج) در منظر دانشمندان اهل سنت

مسأله مهدویت و اعتقاد به وجود و ظهور حضرت مهدی (ع) از مسائل مورد اتفاق شیعه و سنی است و دانشمندان سنی در موارد متعدد و کتب مختلف به این مطلب اذعان نموده اند. جنبه‌های متفاوت زندگی و ظهور و قیام آن حضرت در کلمات ایشان آشکار است. قطعیت ظهور حضرت مهدی و اینکه در آخر الزمان قیام می‌کند و زمین را از عدل و داد پر می‌نماید و آرزوی اینکه خداوند آنها را از یاران حضرت قرار دهد و اینکه او از فرزندان ائمه هدی (ع) است و فرزند امام حسن عسکری (ع) می‌باشد و به صورت‌های مختلف دیگر همگی در اعترافات و اقرارات شیوخ سنی مذهب هویدا است و ما از باب نمونه به برخی آنها اشاره می‌کنیم: ابن ابی الحدید معتزلی که از دانشمندان اهل تسنن است و شیوه کلامی و اعتقادی او بر فرقه معتزله است و در شرح کلام حضرت امیر (ع) یعنی نهج البلاغه چندین جلد نگارش نموده است چنین گوید:

«قد وقع اتفاق الفرق من المسلمین اجمعین علی ان الدنیا والتکلیف لاینقضی الاّ علیه»

«همه فرقه‌های مسلمانان اتفاق نظر دارند بر اینکه دنیا و تکلیف به پایان نمی‌رسد مگر اینکه او ظهور نماید.»<sup>۱</sup>

ابن اثیر می‌گوید:

«المهدی الذی بشر به رسول الله (ص) انه یجیء فی آخر الزمان.»

«آن مهدی موعود (ع) که رسول خدا صلی الله بشارت به ظهور او داده است در آخر الزمان می‌آید.»<sup>۲</sup>

→ کشف الاسرار میبیدی، روح المعانی آلوسی الجواهر طنطاوی، الدر المنثور سیوطی، المنار شیخ محمد عبده مصری و چند تفسیر دیگر.

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۱۰، صفحه ۹۶.

۲. نهایة ابن اثیر، جلد ۵، صفحه ۲۵۴، ماده «هدی».

مقدسی شافعی که از علمای قرن هفتم هجری است معتقد است که فتنه‌ها و فسادها برای همیشه و تا روز قیامت باقی نمی‌ماند و ظهور حضرت مهدی (عج) آنها را به نابودی می‌کشاند او می‌گوید:

«احادیث زیادی که علمای این امت آنها را در کتاب‌های خود نوشته‌اند به ظهور حضرت مهدی (عج) بشارت می‌دهند و مژده می‌دهند که خداوند شخصی را برمی‌انگیزد که زمینة حکومت او را آماده می‌نماید که کوه‌های بلند در برابر او خراب خواهد شد، از دور و نزدیک او را یاری می‌دهند و او مالک کوه و دشت و تمام کره زمین می‌گردد و سراسر زمین را پر از عدل و داد می‌کند.»<sup>۱</sup>

از دیگر دانشمندان بزرگ اهل سنت عارف بزرگ و بی بدیل، شیخ اکبر محی‌الدین عربی است که معتقد است مهدی موعود (عج) قطعاً ظهور خواهد کرد ولی او ظاهر نمی‌شود مگر این که زمین پر از ظلم و ستم شده باشد و آنگاه او می‌آید و زمین را پر از عدل و داد می‌کند. وی می‌گوید:

«و هو من عترة رسول الله (ص) من ولد فاطمة رضي الله تعالى عنها - جدّه

الحسين بن علي بن ابي طالب و والده الامام حسن العسكري (ع).»<sup>۲</sup>

شیخ احمد جامی (متوفای سال ۵۳۶ هـ.ق) از دیگر اندیشمندان بزرگ اهل سنت و عارف معروف و مشهور است که بر فضل و بزرگواری امامان شیعه گواهی می‌دهد و حضرت حجت (عج) را فرزند امام حسن عسکری می‌داند قسمتی از اشعار او که در مدح پیشوایان دین سروده است، چنین است:

۱. البواقیت و الجواهر، جلد ۲، صفحه ۵۶۲، المبحث الخامس و الستون.

۲. عقد الدرر، صفحه ۵.

من ز مهر حیدرم هر لحظه در دل صد صفاست  
 از پس حیدر حسن ما را امام و رهنماست  
 همچو کلب افتاده‌ام بر آستان بوالحسن  
 خاک نعلین حسین اندر دو چشمم توتیاست  
 عابدین تاج سرو باقر دو چشم روشنم  
 دین جعفر بر حق است و مذهب موسی رواست  
 ای موالی وصف سلطان خراسان را شنو  
 ذره‌ای از خاک قبرش دردمندان را دواست  
 پیشوای مؤمنان است ای مسلمانان تقی  
 گر تقی رادوست داری بر همه مذهب رواست  
 عسکری نور دو چشم عالم است و آدم است  
 همچو یک مهدی سپهسالار، در عالم کجاست  
 شاعران از بهر سیم و زر سخنها گفته‌اند  
 احمد جامی غلام خاص شاه اولیاست.<sup>۱</sup>  
 شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، عارف نامور قرن هفتم هجری در وصف  
 پیشوایان هدایت و خصوصاً کوکب دژی امامت حضرت مهدی (عج) چنین می‌سراید:  
 مصطفی ختم رُسل شد در جهان      مرتضی ختم ولایت در عیان  
 جمله فرزندان حیدر اولیا      جمله یک نورند حق کرد این ندا  
 وی پس از مدح و توصیف ائمه دیگر، درباره حضرت بقیة الله (عج) چنین گوید:

۱. هاشمی شهیدی، سیدالله، ظهور حضرت مهدی (عج) دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، صفحه

صد هزاران اولیا روی زمین  
یا الهی مهدیم از غیب آر  
مهدی هادی است تاج اتقیا  
ای ولای تو معین آمده  
ای تو ختم اولیای این زمان  
ای تو هم پیدا و پنهان آمده

از خداوند خواهند مهدی را یقین  
تا جهان عدل گردد آشکار  
بهترین خلق بُرج اولیا  
بر دل و جانها همه روشن شده  
وز همه معنی نهانی جان جان  
بسنده عطارت ثناخوان آمده<sup>۱</sup>

در پایان کلام مولانا جلال الدین رومی (متوفای سال ۶۷۲ هجری) که از اعظام  
عرفاء است می‌آوریم. او با شور زائدالوصفی به مدح و ثنای ائمه هدی (ع) می‌پردازد:  
ای سرو مردان علی، مردان سلامت می‌کنند  
وی صفدر مردان علی، مردان سلامت می‌کنند  
با قاتل کفار گو، با دین و دیندار گو  
با حیدر کزار گو، مستان سلامت می‌کنند  
با دُرُج دو گوهر بگو، با بُرج دو اختر بگو  
با شَبَر و شبیرگو، مستان سلامت می‌کنند  
با زین دین عابد بگو، با نور دین باقر بگو  
با جعفر صادق بگو، مستان سلامت می‌کنند  
با موسی کاظم بگو، با طوسی عالم بگو  
با تقی قائم بگو، مستان سلامت می‌کنند  
با میر دین هادی بگو، با عسکری مهدی بگو  
با آن ولی مهدی بگو، مستان سلامت می‌کنند<sup>۲</sup>

۱. ینابیع المودة، جلد ۳، صفحه ۳۵۰-۳۵۱.

۲. ینابیع المودة، جلد ۳، صفحه ۳۵۱.

## یاوران حضرت مهدی (عج)

برای ظهور و قیام امام زمان (ع) مقدماتی وجود دارد که پس از فراهم شدن مقدمات، آن بزرگوار ظاهر می‌شود و قیام او برای گرفتن بیعت و خروج او برای دعوت و انتقام تحقق می‌یابد. از مقدمات مهم و اساسی حاضر شدن و جمع شدن یاران آن امام است که بر اساس روایات به طور کلی در سه دسته مختلف هستند:

الف) ملائکه

ب) جنّ

ج) انسان

### دسته اول: فرشتگان

دسته اول که فرشتگان هستند به گروه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند:

۱. ملائکه مقربین مانند جبرئیل و میکائیل و اسرافیل

از امام جواد (ع) منقول است که پیامبر گرامی اسلامی (ص) فرمود:

«خروج می‌کند در حالتی که جبرئیل از طرف راست او باشد و میکائیل از طرف

چپ و زود باشد که یاد کنید آنچه را برای شما می‌گوییم.»<sup>۱</sup>

همچنین از امام باقر (ع) روایت است که فرمود:

«میکائیل در طرف راست و اسرافیل در طرف چپ و جبرئیل در جلو»

۲. ملائکه مُنزَلین

در روایت است که تعداد این دسته به سه هزار نفر می‌رسد.

۳. ملائکه کُروبین

کروبیون ملائکه‌ای هستند که مستغرق در دریای احدیت و متحیر در عظمت و

۱. معجم احادیث الامام الهدی (۴): ۲۶۳/۱، ح ۱۶۵، بحار: ۷۲/۵۱ ب اح ۱۴-۱۵.



بزرگی رب العالمین هستند. شادمان و فرحناک در جلال اول اولین هستند و به ذکر نعمات او بسیار اشتیاق دارند و به غیر آن سخنی بر زبان نمی‌آورند. در مقابل جبروت و کبریایی پروردگار متواضع هستند و حتی به ذات خودشان که به نور حق نورانی گشته توجه ندارند - چه رسد به اینکه به دیگران التفاتی داشته باشند - و این به دلیل حرص و اشتیاق ابدی و همیشگی آنها به جمال پروردگار است و شاید حدیث به آنها اشاره شده باشد که می‌فرماید:

«ان لله ملائكة لا يعلمون ان الله خلق آدم و ذريته»

۴. ملائکه‌ای که موقع تولد آن بزرگوار به زیارت آن حضرت آمدند که در روایت از امام حسن عسکری (ع) منقول است که در آن هنگام این عده از ملائکه فرود می‌آمدند و خود را متبرک می‌کردند و ایشان انصار او خواهند بود هنگامی که خروج نماید.<sup>۱</sup>

۵. ملائکه‌ای که در جنگ بدر بودند که در روایت امام صادق (ع) است که تعداد ایشان در غزوة بدر، پنج هزار و سیصد و سیزده تن بودند.<sup>۲</sup>

۶. ملائکه‌ای که با نوح (علی نبینا و آله و علیه السلام) در کشتی بودند.

۷. ملائکه‌ای که با ابراهیم (علی نبینا و آله و علیه السلام) بودند هنگامی که او را در آتش انداختند.

۸. ملائکه‌ای که با موسی (علی نبینا و آله و علیه السلام) بودند هنگامی که دریا را برای بنی اسرائیل شکافت.

۱. معجم احادیث المهدی (۴): ۷۵/۳، ح ۶۱۹، خصال: ۷۴۷/۲ باب اربعمائه، ح ۱۰، منتخب الاثر: ص ۶۳۱.

۲. امالی طوسی: صفحه ۴۰۵، مجلس ۱۴، ح ۹۱۷؛ بحار ۱۲۲/۵۲، ب ۲۲، ح ۳.

۹. ملائکه‌ای که با عیسی (علی نبینا و آله و علیه السلام) بودند هنگامی که خداوند او را به آسمان بالا برد.

۱۰. ملائکه‌ای که روز عاشورا به کمک امام حسین (ع) آمدند.<sup>۱</sup>

#### اصناف ملائکه در کلام حضرت امیر

باب مدینه علم و وصی و خلیفه به حق رسول خدا (ص)، پیشوای سفید چهره‌گان و امیر مؤمنان و اسوه متقیان امام علی (علیه افضل صلوات المصلین) در موارد مختلف و گوناگون سخن از فرشتگان فرموده‌اند از جمله در خطبه اول، پس از آن که شناخت خدا و عجز انسان از شناخت کامل و راههای خداشناسی به صورت نسبی را مطرح فرمود به اصناف ملائکه می‌پردازد:

«سپس آسمان‌های بالا را از هم گشود، و از فرشتگان گوناگون پر نمود. گروهی از فرشتگان همواره در سجده‌اند و رکوع ندارند و گروهی در رکوعند و یارای ایستادن ندارند و گروهی در صف‌هایی ایستاده‌اند که پراکنده نمی‌شوند و گروهی همواره تسبیح گویند و خسته نمی‌شوند و هیچ‌گاه خواب به چشمشان راه نمی‌یابد، و عقل‌های آنان دچار اشتباه نمی‌گردد، بدن‌های آنان دچار سستی نشده و آنان دچار بی‌خبری برخاسته از فراموشی نمی‌شوند.

برخی از فرشتگان، امینان وحی الهی، و زبان‌گویای وحی برای پیامبران می‌باشند که پیوسته برای رساندن حکم و فرمان خدا در رفت و آمدند. جمعی از فرشتگان حافظان بندگان، و جمعی دیگر دربان بهشت خداوندند. بعضی از آنها پاهایشان در طبقات پایین‌تر زمین قرار داشته، و گردن‌هایشان از آسمان فراتر، و ارکان وجودشان از اطراف جهان گذشته، عرش الهی بر دوش‌هایشان استوار است، برابر عرش خدا دیدگان به زیر افکنده و در زیر آن بال‌ها را به خود پیچیده‌اند. میان این

۱. خراسانی، محمد جواد، مهدی منتظر، ۳۱۸-۳۱۹.

دسته از فرشتگان با آنها که در مراتب پایین تری قرار دارند حجاب عزت و پرده‌های قدرت، فاصله انداخته است. هرگز خدا را با وهم و خیال، در شکلی و صورتی نمی‌پندارند و صفات پدیده‌ها را بر او روا نمی‌دارند. هرگز خدا را در جایی محدود نمی‌سازند و نه با همانند آوردن، به او اشاره می‌کنند.<sup>۱</sup>

به هر حال وجود ملائکه الله به عنوان اعوان و انصار حضرت حجت (روحی له الفدا) امری قطعی و یقینی است اما دستجات و تعداد و نحوه نصرت و کیفیت آن به صورتهای مختلفی مطرح شده است که در کتب مفصلی مرقوم است.

### دسته دوم: جنیان

جنیان گروهی از موجودات هستند که در قرآن کریم در آیات متعددی تصریح به وجود آنان شده است:

«و ما خلقت الجن و الانس إلا ليعبدون»<sup>۲</sup>

«یا معشر الجن و الانس ألم یأتکم رُسلٌ منکم یَقُصُّون...»<sup>۳</sup>

«قل لئن اجتمعت الانس و الجن علی أن یأتوا بمثل هذا...»<sup>۴</sup>

«و حُشر لسلیمان جنوده من الجن و الانس و الطیر فهم...»<sup>۵</sup>

۱. نهج البلاغه، خطبه اول، ترجمه مرحوم محمد دشتی غفرالله له ولوالدیه و اسکنه الله فی بحبوحه جناته و هو خادم الشریعه حقیقتاً بالإشاعة و الترویج للمبانی الشریعه الحقه و اعتلاء الانوار الساطعة من المعصومین (علیهم السلام) سیما مولی الموالی علی عالی (علیه افضل صلوات المصلین).

۲. سوره ذاریات، آیه ۵۱.

۳. سوره انعام، آیه ۶.

۴. سوره اسراء، آیه ۱۷.

۵. سوره نمل، آیه ۲۷.

در روایاتی از جنّ بعنوان یاوران حضرت مهدی (ع) نام برده شده است از جمله امام صادق (ع) به جناب مفضل فرمود: «مؤمنین جن او را نصرت خواهند کرد». عرض کرد: «آیا ملائکه و جن ظاهر می شوند برای مردم؟» فرمود: «بلی به خدا قسم با ایشان مخاطبه و تکلم می کنند مانند اینکه شخص با اهل و عیال و حواشی خود مخاطبه می نماید». سپس فرمود: «با او هر کجا برود می روند و عدد ایشان به عدد ملائکه چهل و شش هزار خواهد بود»<sup>۱</sup>.

#### دسته سوم: انسان‌ها

مهمترین دسته‌ای که از یاوران اساسی و مهم حضرت حجت (ع) خواهند بود به انسانها اختصاص دارد. آنها هستند که در سایه حکومت حضرت، آرامش، رشد و ترقی و پیشرفت، بزرگی و عظمت، تنعم و برخورداری، عدالت و محبت برای آنها تحقق می یابد. ائمه معصومین (ع) برای انسانها آمدند تا اینکه آنها را به سعادت دنیا رهنمون شوند و امام زمان نیز از این قاعده مستثنی نیست. حضرت در غیبت و ظهور هر دو وجودش لطف و کرامت و ارزش برای انسانها است و این انسانها هستند که با صفاتی مانند تکلیف و ایمان و اختیار می توانند از بهترین یاران آن بزرگوار باشند.

دعای عهد که منقول از امام صادق (ع) است و بسیار ارزشمند و شریف و عالی المضامین می باشد بیعت نامه‌ای است با امام زمان (ع) و درخواستی از خداوند است تا او را جزء یاران امام زمان قرار دهد، با این دعا می گوئیم:

۱. حصال: ۷۵۵/۲، باب اربعمانه، ح ۱۰؛ بحار: ۱۲۳/۵۲، ب ۲۲، ح ۷.

«خدایا من تجدید می‌کنم با او در بامداد امروز و تا ایامی که زندگانی می‌کنم پیمان خود را و عقد بیعت او را که برگردن من است و هرگز از آن برنگردم و دست از بیعت برندارم.

خدایا مرا از یاران او گردان و کمک کار او و دفاع کنندگان از او و شتاب کنندگان به سوی او در برآوردن حاجت‌های خود و فرمانبرداری به او، امر او و حمایت کنندگان از او و پیشی‌گیران در انجام اراده او و از شهیدان در رکاب او.»

### اوصاف و ویژگی‌های یاران حضرت مهدی (عج)

برای بدست آوردن خصوصیات و ویژگی‌های یاران حضرت مهدی (عج) از مسیرهای گوناگون و در منظره‌های متفاوت می‌توان پرداخت که به طور کلی در سه محور خلاصه می‌شود:

#### طریق اول: بررسی و تأمل در روایات

احادیث و روایات فراوانی در خصائص حضرت مهدی و ویژگی‌های انقلاب او و یاوران آن حضرت در کتب روایی آمده است. این روایات گاهی یاران آن حضرت را به سه دسته خلص الخص، خلص و عام که عموم مسلمانانند تقسیم می‌کنند و گاهی خصوصیات جسمی و روحی آنها مانند شجاعت، یکدلی، اعتقاد، شهادت‌طلبی، تقوی، اطاعت‌پذیری نسبت به امام و سایر اوصاف می‌پردازد و گاهی عده‌ای از آنها را مانند حضرت عیسی، حضرت خضر، مالک اشتر، سلمان فارسی، اصحاب کهف و تعدادی از ملائکه الله را نام می‌برد و در پاره‌ای از روایات به کشورهای که یاران حضرت از آن جا برمی‌خیزند اشاره می‌کند و حتی تعداد زیادی از شهرها را نام می‌برد مانند کشورهای ایران، آذربایجان، مصر، بحرین، عراق، لبنان، سوریه،



ترکیه و ... و تعدادی از شهرهای ایران و خارج از ایران مانند تهران، قم، اهواز، آمل، ساوه، اردبیل، کازرون، نیشابور، مشهد، اصفهان، شیراز، ... و کربلا، مکه، مدینه، بغداد، دمشق، سامرا، نجف، طائف، کوفه، حبشه و شهرهای فراوان دیگر.

### طریق دوم: بررسی اهداف امام (ع)

امام عصر (عج) دارای اهداف متعدد و ارزشمندی است و انقلاب و حرکت او برای تحقق این آرمان‌ها و اهداف خواهد بود که در ادعیه و زیارات از جمله دعای ندبه، جامعه کبیره و ... آمده است. او برای برقراری عدالت و رفع ستم در مقابله با طواغیت قیام خواهد کرد هدف اصیل و مهم او رهایی انسانها از اغلال و قیود و بندگی و بردگی اعم از بیرونی و درونی می‌باشد برای اینکه انسان را به آزادی کامل به معنای واقعی خودش برساند قیام خواهد کرد او برای احیاء سنتهای دینی و دستورات الهی حرکت می‌کند و در واقع احیاگر فرهنگ ناب قرآنی است که با گناه و فسق و ستم و طغیان و استعمار و استثمار مبارزه می‌کند و به دوستان و پیروان ولایت، عزت می‌بخشد و دشمنان واقعی بشریت و دین را به خواری و ذلت می‌افکند.

### طریق سوم: تحلیل و بررسی حرکت امام و گستره آن

قیام و حرکت حضرت حجت (عج) ویژگی‌های متعددی دارد که این ویژگی‌ها به قیام حضرت حالت استثنایی و منحصر به فرد داده است که در هیچ حرکتی چنین خصوصیتی وجود ندارد و بدیهی است که یاوران آن بزرگوار نیز بایستی دارای اوصافی باشند که بتوانند همراه و همگام با حضرت به اهداف و آرمانهای او تحقق بخشند.

حرکت امام عصر (عج) امری سطحی و بی ریشه نیست بلکه اصیل است و استمراربخش حرکت امامان معصوم (ع) و پیامبران آسمانی و الهی است و در

واقع اصالت خود را از اتصال به آن حلقات الهی یافته است. تمام براهین و دلایل موجود بر حقانیت نبی اکرم (ص) و ضرورت وجود آن شریف متعالی و همچنین همه ادله ضرورت وجود ائمه هدی (ع) بر لزوم وجود امام زمان (عج) دلالت دارد و اینها امری تفکیک ناپذیرند.

رهبری قیام دارای اوصاف منحصر به فردی است. اخلاق او اخلاق نبی اکرم (ص) است. او خاتم اوصیاء است و این عنوان خاتمیت فقط به ایشان و به جد بزرگوارشان (ص) داده شده است او امری از امر الهی و سرّی از اسرار الهی است و خداوند متعال هرچه را که به انبیاء داده است به او می‌دهد و اضافه‌تر نیز می‌دهد او بشارت داده شده پیامبر اکرم (ص) است و عیسی (ع) از آسمان به یاری او نزول می‌کند و در نماز به او اقتدا می‌کند و زیر اوست و او بالاترین امام از نسل امام حسین (ع) است<sup>۱</sup> و بالاخره:

رخ زیبا، ید بیضا، دم عیسی داری آنچه خوبان همه دارند، تو تنها داری

از دیگر خصوصیات حکومت حضرت مهدی (عج) جهانی بودن آن است. حکومت آن بزرگوار اختصاص به کشور یا منطقه و شهر خاصی ندارد بلکه در تمام اکناف و اقصی نقاط عالم حکمرانی می‌کند همانگونه که حکومت رسول اکرم (ص) اختصاص به مدینه و حجاز نداشت و به بلاد مختلف نمایندگان و سفیرانی فرستاد و رسالت او منحصر به عربها نبود بلکه می‌فرمود: «انی رسول الله الیکم جمیعاً» یعنی من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم. قیام و حکومت حضرت مهدی (عج) نیز همین ویژگی را دارد و بنابراین یاران او نیز اختصاص به یک منطقه محدود و خاصی ندارد. بنابراین قیام آن بزرگوار و برنامه‌های حکومتی او گستردگی

۱. معجم احادیث الامام المهدی، جلد ۲، صفحه ۲۱۷ و ۲۱۸ و ۵۱۸ و ۵۱۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲،

خاصی دارد و مبارزات او و طرح و برنامه آن حضرت جنبه جهانی دارد لذا بایستی یاران او نیز از عمق خاصی برخوردار باشند و دارای معرفت و بینشی عمیق نسبت به زمان و حوادث آینده و دوستان و دشمنان خود باشند و از ویژگی‌های انحصاری و نمایان مانند شجاعت، صبر و بردباری، ... برخوردار باشند. حکومت آن بزرگوار دارای خصوصیات و اوصاف متعدد دیگری نیز هست که همه آنها اقتضا می‌کند یاران و حامیان نیز خود را با آن برنامه‌ها و خصوصیات منطبق سازند.

به هر حال از سه منظر می‌توان به حضرت و قیام مبارک و آسمانی او پرداخت و اوصاف یاوران وی را جستجو نمود و ما در اینجا برای اینکه از حالت خشک و دسته بندی خاص خارج گردد و هم برای اینکه خارج از حوصله و میزان لازم مطابق نیاز مخاطبان سخن نگفته باشیم اوصاف را به صورت کلی مطرح می‌نماییم و از خدای متعال مسئلت داریم تا ما را از اعوان و انصار آن بزرگوار قرار دهد و در رکاب ایشان خدمت نماییم:

#### ۱. شناخت و بینش عمیق

روابط انسان را در چهار محور می‌توان خلاصه کرد که عبارت است از:

الف) رابطه با خدا

ب) رابطه با انسانها

ج) رابطه با خود

د) رابطه با طبیعت

انسان موجودی نیست که بتواند منهای دیگران و افکار دیگران زندگی نماید و خود را در محدوده‌ای حبس کرده و از آنها بی‌خبر باشد و با آنها تعامل و رابطه‌ای نداشته باشد بلکه تصمیم‌گیری و رفتار و منش و حرکات او در ارتباطهای چهارگانه نهفته است و تأثیر و تأثر می‌پذیرد.

ارتباط انسان با خدا که در آموزه دین به عبادت از آن یاد می‌شود امری است که در جان انسانها نهفته است و هیچ انسانی حتی مشرکین نسبت به خداوند بی‌نیاز از عبادت نیستند. عبادت یعنی اظهار بندگی و نیاز در پیشگاه ذات اقدس باریتعالی و بیان خواسته‌ها و تقاضای رسیدن به کمال نهایی است که همراه تضرع و تذلل صورت می‌گیرد. پرستش و راز و نیاز امری فطری است که احتیاج به مربی و کلاس و درس ندارد و عمومی است. اما این پرستش فرع بر شناخت است و به عبارت دیگر زمانی این پرستش و رابطه با خالق هستی به اوج خود می‌رسد که شناختی عمیق نسبت به خدای متعالی پیدا شده باشد و وظایف خود را نسبت به خدای متعال بشناسد و در عرصه‌های گوناگون طبق فرامین الهی عمل نماید بنابراین می‌توان گفت از آنجا که «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»<sup>۱</sup> و عبادت همان رابطه اصیل و عمیق با خداوند متعال است و این عبارت زمانی اوج می‌گیرد که نسبت به خالق هستی و رابطه با او و وظایف خودمان شناخت پیدا کنیم بنابراین وظیفه اصلی ما بالابردن معرفت و آگاهی نسبت به ذات اقدس باریتعالی و اوصاف و ویژگی‌های او و روابطی که بایستی به نحو صحیح با او داشته باشیم و مصداق کامل این آیه گردیم که می‌فرماید:

«قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

«بگو همانا نماز و سایر عبادات من و زندگی و مرگ من برای خدا، پروردگار جهانیان است»<sup>۲</sup>

یار و یاور حضرت مهدی (عج) کسی است که خدا را تا سرحد امکان شناخته یا در جهت شناخت او گام برمی‌دارد گرچه شناخت کنه و ذات او برای احدی

۱. سوره ذاریات، آیه ۵۶.

۲. سوره انعام، آیه ۱۶۲.

ممکن نیست زیرا شناخت کامل، اشراف و احاطه می طلبد و هیچ کس این احاطه و اشراف را نسبت به خدا ندارد زیرا او بی نهایت است و سایر موجودات عالم امکان همه از ممکنات هستند:

سیه رویی ز ممکن در دو عالم      جدا هرگز نشد والله اعلم  
ما عدمهائیم هستی ها نما      تو وجود مطلق و هستی ما

اصحاب حضرت مهدی (عج) جز ولایت حضرت حق بر نمی تابند و اگر گاهی از ولایت «الله» خارج شوند، آن را خروج از حاکمیت خدا و ورود به ولایت و حاکمیت شیطان و طاغوت می دانند و این بینش عمیق و پذیرش دقیق ولایت الهی است که دو ثمره بزرگ به ارمغان می آورد:

الف) ذکر و یاد خدا

اصحاب حضرت مهدی (عج) چون دارای ایمان و تقوایی گسترده و بینشی عمیق هستند همواره به ذکر و یاد خدا می باشند چنانچه در شریفه الهی می فرماید:

«وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْأَصَالِ  
وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ»<sup>۱</sup>

«و پروردگارت را در دل خود از روی تضرع و خوف و آهسته و آرام، صبحگاهان و شامگاهان یاد کن و از غافلان مباش.»

انسان مؤمن و با تقوا فقط او را می خواند و از او می خواهد:

«و قال ربکم ادعونی استجب لکم»<sup>۲</sup>

«و پروردگارتان فرمود: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم.»

۱. سوره اعراف، آیه ۲۰۵.

۲. سوره مؤمن، آیه ۶.



## ب) تلاش و کوشش

انسان مؤمن و با تقوی که در رکاب حضرت مهدی (عج) خدمت می نماید با ایمان و اعتقادی که به حضرت حق دارد در جهت ارتقاء معرفت و بینش خود و هموعان خود از هیچ گامی دریغ نمی کند و در بعد عملی نیز همواره کوشش و تلاش می کند تا خود و جهان اطراف خود را به سوی غنای علمی و عملی برساند او همه تلاشهای خود را رنگ الهی می بخشد و می داند که بهترین رنگ است و زیباتر از آن و کارآمدتر هیچ رنگی نیست:

«صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً...»<sup>۱</sup>

«رنگ الهی است و کدامین رنگ بهتر از رنگ الهی است»

یاور حضرت مهدی (عج) در پرتو قداست بخشی و الهی نمودن کارها، حداکثر تلاش و کوشش خود را بکار می بندد تا همواره فردی مؤثر برای جامعه اش باشد و در رشد و شکوفایی آن تأثیر بسزایی داشته باشد او در سایه این ایمان و تقوی و معرفت الهی که پیدا نموده است همه اعمال خود را در ابعاد مختلف، چهره الهی می دهد و عبادت می داند و روز بروز بر فعالیت خود می افزاید او حتی تلاش برای خانواده خویش را جهاد در راه خدا می داند:

«الكاد لعیاله كالمجاهد فی سبیل الله»

«تلاشگر برای خانواده مانند جهادگر در راه خداست»

## ج) خویشان را بشناسیم

خداوند در آیات مختلف انسان را به تفکر و شناخت وجود خویش توصیه نموده است، از جمله:

۱. سوره بقره، آیه ۱۳۸.

«وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ»<sup>۱</sup>

«در خود شما پس مگر نمی‌بینید.»

رابطه دیگر، رابطه انسان با خویشتن است. انسان هیچگاه خویش را فراموش نمی‌کند و او علم حضوری به وجود خود دارد، همانگونه که ابن سینا برهان بر تحقق این علم آورده است که در ناکجاآباد خود باز به خویشتن خویش علم دارد و اگر از همه بدن خود و دردها و ناملایمات و لذتها و ملایمات غفلت داشته باشد اما به خودش علم دارد.<sup>۲</sup>

انسان مؤمن و کسی که در رکاب حضرت مهدی (عج) حضور دارد بایستی عارف به خویشتن و جایگاه خود در عالم هستی باشد و به همین دلیل خداوند متعال سفارش نموده است.

د) خودسازی نمائیم

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسِكُمْ لَا تَضُرُّكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ»<sup>۳</sup>

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خودتان پردازید، هرگاه شما هدایت یافتید، آن کس که گمراه شده است به شما زیانی نمی‌رساند.»

امام خمینی (ره) که خود عارفی کم نظیر و انسانی وارسته و پاکیزه از هوی و هوسهای درونی بود می‌فرماید:

«قرآن کتابی است که می‌خواهد آدم درست کند می‌خواهد یک موجودی را که خودش ایجاد کرده و با اسم اعظم ایجاد کرده با «الله» می‌خواهد از این مرتبه ناقصی که هست او را برساند به آن مرتبه‌ای که لایق او است و قرآن برای این آمده است.»

۱. سوره ذاریات، آیه ۲۱.

۲. ابن سینا، الاشارات والتنبیها، ج ۳.

۳. سوره مائده، آیه ۱۰۵.

همه انبیاء هم برای دین آمده‌اند، همه انبیاء آمده‌اند برای اینکه دست انسان را بگیرند و از چاه عمیقی که در آن افتاده است درآورند»<sup>۱</sup>.

دین مبین اسلام معتقد است که انسان در هر دو عرصه یعنی خودشناسی که گامی است به سوی خداشناسی (من عرف نفسه فقد عرف ربه) و هم در حریم خودسازی از هر گونه علم و معرفت که به وسیله ادراکات حسی و تجارب عینی، تعقل و منابع دیگر بدست می‌آید بهره ببرد.

انسان در جهان بینی الهی جایگاه ویژه‌ای دارد، و اگر عارف به این جایگاه باشد همانا اعمال و ایدئولوژی او که زاینده این جهان بینی است به بهترین وجه شکل می‌گیرد و به مرحله‌ای می‌رسد که فرمان او، فرمانی الهی می‌گردد و می‌تواند تصرف در عالم خلقت بنماید. آیت کریمه الهی ارزشهای والایی برای انسان ارائه می‌دهد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

ارزشهای انسان در نگاه قرآن

الف) انسان خلیفه الله است

جایگاه جانشینی برای خداوند والاترین نظام و ارزش برای انسان است. قرآن کریم در آیه شریفه زیر این جایگاه را برای انسان تثبیت می‌نماید:

«و إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَةً»<sup>۲</sup>

«و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی خواهم گماشت».

علامه طباطبایی در تفسیر قیم خود خلافت آدم را اختصاصی حضرت آدم (ع) نمی‌داند بلکه برای فرزندان آدم نیز چنین مقامی قائل است.

۱. قرآن کتاب هدایت در دیدگاه امام خمینی (بی جا: ۱۳۷۵)، صفحه ۵۰.

۲. سوره بقره، آیه ۳۰.

وی می‌گوید:

«جایگاه انسان دارای چنان رفعتی است که می‌تواند از خدای سبحان کمالاتی را  
نمایش دهد و اسراری را تحمل کند که در وسع ملائکه هم نیست».<sup>۱</sup>  
استاد فرزانه آیت‌الله جوادی این خلافت را تشکیکی و دارای مراتب گوناگون  
می‌داند به این صورت که همانگونه که کمالات انسانها درجات گوناگونی دارد  
خلافت الهی آنها نیز دارای مراتب مختلف می‌باشد.<sup>۲</sup>

ب) انسان بالاترین ظرفیت علمی دارد

در ممکنات به درجات و مراتب وجودی آنها ظرفیتها نیز گوناگون است و بالاترین  
ظرفیت در عالم امکان از آن انسان است که به این مطلب، قرآن کریم گواهی می‌دهد:  
«و علم آدم الاسماء کلها»<sup>۳</sup>

«خدا همه نامها را به آدم آموخت».

مفسر عالی‌مقام قرآن حضرت آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر آیه چنین  
می‌فرماید:

«این آیه جایگاه انسان را در نظام احسن تعیین می‌کند و دلالت دارد که انسان از  
استعداد خاصی در زمینه معرفت حقایق برخوردار است که با شکوفا شدن آن  
می‌تواند از فرشتگان برتر و مظهر جلال و جمال همه اسمای حسنا حق گردد و  
در واقع راز خلافت او آگاهی به همه اسماء و حقایق و معارف یعنی برخورداری از  
علم لدنی و شاگرد بی واسطه خداوند شدن است».<sup>۴</sup>

۱. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۱، صفحات ۱۷۹-۱۷۸

۲. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، جلد ۳، قم: اسراء، ۱۳۸۰، صفحه ۴۰.

۳. سوره بقره، آیه ۳۱.

۴. جوادی آملی، پیشین، صفحه ۱۹۶.

ج) روح الهی در انسان دمیده شده است.

انسان گرچه در مقام جسم و جسمانیت از آب بی مقدار خلق شده است و نظر به بعد مادی او بین نطفه و جیفه قرار دارد چنانچه امام باقر (ع) در مذمت انسان متکبر گوید:

«عجباً للمتکبر الفخور الذی کان بالامس نطفة ثم هو غداً جيفة»<sup>۱</sup>

«شگفتی است از متکبر و فخرفروشی که تا دیروز نطفه و در آینده مردار خواهد بود».

اما همین انسان انتساب به حضرت حق پیدا نمود و روح الهی در کالبد او دمیده شد و به همین دلیل از نظر معنوی دارای روح گرانقدر و پرشرافت و حامل روح الهی گردید:

«الذی احسن کل شی خلقه و بدأ خلق الانسان من طین ثم جعل نَسْله من

سلالة من ماء مهین ثم سواه و نفخ فیه من روحه»<sup>۲</sup>

«خداوند کسی است که هر چه را آفرید نیکو آفرید و آغاز آفرینش انسان را گِل قرار داد سپس نسل او را از عصاره‌ای از آب ناچیز و بی قدر خلق کرد بعد اندام او را موزون ساخت و از روح خویش در وی دمید».

د) انسان مسجود فرشتگان است

انسان که دارای مقامی ویژه است و برگزیده پروردگار و شایسته جایگاه خلیفه‌اللهی است مسجود ملائکه واقع شد و خدای سبحان به ایشان امر کرد تا در برابر انسان تواضع و فروتنی نمایند و عالی‌ترین جایگاه خود را به احترام انسان به خاک بسایند:

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۴.

۲. ترجمه المیزان، جلد ۱۶، صفحه ۳۹۲.

«وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ»<sup>۱</sup>

«و چون فرشتگان را فرمودیم «برای آدم سجده کنید» پس به جز ابلیس که سرباز زد و کبر ورزید و از کافران شد همه به سجده افتادند».

ه) انسان امانتدار پروردگار است

خداوند متعال امانت بزرگ خود را به آسمانها و زمین و کوهها عرضه نمود اما همگی سرباز زدند و توانایی تحمل آن را نداشتند و لکن انسان این امانت را پذیرفت. این امانت که پذیرش ولایت الهیه یا تکلیف یا اختیار یا ایمان یا وجه دیگری است در پرتو توانایی و ارزشهای والای انسانی است که پذیرفتن آن تحقق می‌یابد و این خود حکایت از جایگاه عظیم انسان دارد.

«إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»<sup>۲</sup>

«ما امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه کردیم، از پذیرش آن سرباز زدند و از آن هراسناک شدند و انسان آن را برداشت راستی او ستمگری نادان بود».

اگر انسان جایگاه خویش را آنگونه که قرآن ترسیم نموده است بشناسد و عرفان واقعی به خود و اهداف وجودی خود داشته باشد او می‌تواند به راستی صورت واقعی خود را که صورت رحمانیت و الوهیت است نشان دهد و فرمان او فرمان الهی می‌گردد همانگونه که در مکتب بزرگ مرد عرفان و معرفت شیخ

۱. سوره بقره، آیه ۳۴.

۲. سوره احزاب، آیه ۷۲.



اکبر محی الدین بن عربی آمده است: انسان مخلوقی است که خدای سبحان او را به صورت خود آفریده است.<sup>۱</sup> چنانچه در حدیث آمده است:

«ان الله خلق آدم علی صورته» و به روایت دیگر: «ان الله خلق آدم علی صورة الرحمن». او معتقد است که انسان همانند پروردگار دارای دو صفت جلال و جمال است هم صفات جمالیه پروردگار که تعلق به لطف و رحمت او دارد در انسان تجلی پیدا کرده است و هم صفات جلال که تعلق به قهر و شر و عظمت دارد در او متجلی شده است.<sup>۲</sup>

سومین رابطه، بین انسان و انسانهای دیگر و در رأس آنها امامان معصوم (ع) است اگر انسان جایگاه واقعی انسان را خصوصاً انسان کامل و عصاره خلقت یعنی حضرت بقیه الله را بشناسد در پرتو این بینش عمیق دو میوه شیرین و ثمره ارزشمند از آن تولید می شود که عبارتند از:

۱. محبت نسبت به انسانها خصوصاً انسان کامل یعنی امام

۲. اطاعت نسبت به ایشان

بنابراین می توان گفت یاور واقعی حضرت مهدی (عج) کسی است که شناخت عمیق نسبت به آقا و مولایش امام زمان (عج) دارد اگر چه شناخت نهایی و کامل نسبت به آن بزرگوار برای احدی جز خدا و معصومین (ع) ممکن نیست چنانچه در روایت از رسول اکرم (ص) است:

«یا علی! ما عرف الله الا انا وانت و ما عرفنی الا الله وانت و ما عرفك الا الله وانا»<sup>۳</sup>

«ای علی خدا را کسی شناخت جز من و تو و مرا شناخت جز خدا و تو و تو را

شناخت جز خدا و من».

۱. فتوحات مکیه، جلد ۱، صفحه ۷۰.

۲. فتوحات مکیه، جلد ۱، صفحه ۷۰.

۳. شرح زیارت عاشورا، (شفاء الصدور)، میرزا ابوالفضل تهرانی.

بعد از اینکه انسان مولایش را شناخت به او محبت و عشق می‌ورزد، عشق و محبت به شیء یا فرد مجهول و مبهم معنا ندارد و به همین اسلس اصحاب حضرت بایستی هر چه بیشتر آگاهی خود را نسبت به آن وجود شریف و اهداف و علائم ظهور و سایر ویژگی‌های او اضافه نمایند و بر همگان است که از طرق مختلف اعم از ارتباط با دانشمندان و فرزندان دینی و روایات و احادیث نبوی و ولوی و افاضات قرآنی و در سایه تهذیب و تزکیه، آگاهیهای خود را توسعه بخشند و شبهات را برطرف نمایند. اگر خداوند متعال عشق به ذات خویش دارد و از ذات و هستی خود مبتهج است و همانگونه که شیخ الرئیس می‌گوید:

«أجلّ مبتهج بذاته هو الاول تعالی»<sup>۱</sup>

«شدیدترین شادمان به ذاتش خدای متعال است»

از آن جهت است که او بالاترین ادراک و علم به ذات خود دارد و ذات او بالاترین مرحله کمالی را داراست و از هر گونه نقصی منزّه و مبرا است. حال اگر این ادراک را نسبت به حضرت حجت (عج) عمیق و گسترده نماییم و پی به عظمت و جودی آن بزرگوار ببریم یقیناً عشق و علاقه و محبت ما از حالت لفظی و زبانی خارج می‌شود و چهره واقعی و الهی به خود می‌گیرد. در پرتو این محبت گسترده و الهی نسبت به امام زمان (عج) است که انسان خود را سرسپرده آن عبد خالص الهی می‌گرداند و دل و جان را به او می‌سپارد و هر اراده‌ای را از خود سلب نموده و همه امور را به او تفویض می‌کند. اطاعت زاییده محبت است محال است انسان نسبت به فردی عشق و علاقه داشته باشد و از او سرپیچی نماید چنانچه در دیوان منسوب به امام علی (ع) است:

۱. شیخ الرئیس ابن سینا، الاشارات و التیبهات، جلد ۲، نمط ۸، صفحه ۳۵۹.

تعصى الا له وانت تظهر حُبه والله هذا في الفعال بدیع

از خداوند سرپیچی می‌کنی و دوستی او را اظهار می‌کنی

قسم به خدا که در عالم یک مطلب نو و بدعت است

یاور واقعی حضرت حجت (عج) کسی است که انسان را به واقع و حقیقت

می‌شناسد و در نتیجه مولای واقعی خود را می‌شناسد. او می‌داند که امام زمان (عج)

بزرگترین نشانه حق تعالی است. چنانچه در دعا آمده است:

«السلام علیک یا آیت الله العظمی»

«سلام بر تو ای بزرگترین نشانه خدا»

او می‌داند که انسان کامل یعنی امام زمان (عج) غایت هستی است و همه

حرکتها بایستی به سوی او ختم شود و او می‌داند که حضرت حجت واسطه نزول

برکات و ارزاق از ناحیه خدا است و اگر آن بزرگوار نباشد بلاها و مصائب انسان‌ها

را به هلاکت و فساد می‌کشاند و یاور مهدی می‌داند که حضرت حجت (عج) کاملترین

الگو و اسوه بشریت و صراط محض و مستقیم الهی است و تمسک به او مانع

ضلالت و گمراهی است و با این آگاهی‌ها که نسبت به آن وجود شریف پیدا

می‌کند چاره‌ای جز تسلیم در برابر اوامر و فرامین و مصلحت سنجی‌ها و تأمین

رضایت خاطر او نمی‌بیند و گناه رخت برمی‌بندد و در این مسیر است که انسان از

امتحانات مختلف موفق بیرون می‌آید و کژیها و کاستی‌ها و شبهات و

لغزشگاهها و انحرافات او را از مسیر مستقیم منحرف نمی‌کند و همچون

حضرت ابراهیم (ع) شایسته مقام امامت می‌گردد:

«وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا...الایه»<sup>۱</sup>

«زمانی که پروردگار ابراهیم او را به اقسام بلایا امتحان نمود و موفق شد به او خطاب کرد همانا تو را برای مردم امام قرار دادم...»

چهارمین رابطه انسان با جهان هستی و پیرامونی خود است. موجودات پیرامون انسان که از موجودات بسیار ریز و ذره‌بینی تا عظیم‌ترین آنها یعنی زمین، سیارات و ستارگان و... در ترابط با انسان است و انسان نمی‌تواند جدای از این مجموعه و نقل و انتقالها و حرکات زندگی نماید. بنابراین او بایستی نسبت به جهان هستی اطراف خود آگاهیهای متنوع و دامنه داری پیدا نماید و سؤالاتی که در این زمینه است پاسخ دهد:

- آیا جهان واقعی خارجی و عینی است؟
- ماهیت و چیستی جهان هستی کدام است؟
- روابط عوالم با یکدیگر چیست؟
- موجودات عالم هستی چه رابطه‌ای با یکدیگر دارند؟
- آیا موجودات عالم مادی هستند یا مجرد؟
- آیا هستی فناپذیر است یا باقی و دائمی؟

و دهها سؤال دیگر جهان بینی ما را و دیدگاه ما پیرامون هستی و جهان اطراف را مورد کنکاش قرار می‌دهد که تحقیق پیرامون هر کدام برای تصمیم‌گیری و تصحیح روابط برای انسان الهی و کسی که می‌خواهد در رکاب آن پیشوای الهی روشنگری نماید و پرچم هدایت الهی را به دوش کشد لازم و ضروری است.

در جهان بینی الهی و قرآنی، هستی انتساب به خداوند متعال دارد و قائم به ذات پروردگار است و از خود هیچ قوامی ندارد و دائماً نیازمند و قائم به حق است. جهان همیشه در حال حدوث و فناست و لحظه به لحظه فانی و موجود می‌شود. واقعیات این جهان محسوس درجه تنزل یافته و مرتبه نازله واقعیات جهانی

دیگر است که جهان غیب نامیده می‌شود. آنچه در این جهان به صورت امری مقدر و محدود است در مرتبه‌ای و در جهانی مقدم بر این جهان (جهان غیب) به صورت وجودی نامقدر و نامحدود و به تعبیر قرآن کریم به صورت خزائن وجود دارد:<sup>۱</sup>

«وَأَنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ»<sup>۲</sup>

«و هیچ چیز نیست مگر آنکه گنجینه‌های آن نزد ماست و ما آن را به جز به

اندازه‌ای معین فرو نمی‌فرستیم»

در منظر یک انسان موحد دیندار و شخص ولایت مدار، علاوه بر اینکه جهان وابسته و متکی به پروردگار است، ماهیتی «به سوی او» دارد و بازگشت همه اشیاء به سوی اوست.

«أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ»<sup>۳</sup>

«همانا همه کارها به سوی خدا باز می‌گردد».

و در نهایت این دنیا، همه چیز فانی است و جز ذات اقدس باریتعالی چیزی باقی نمی‌ماند. چنانچه در کریمه شریفه فرمود:

«كُلٌّ مِنْ عَلَيْهَا فَا ن وَ يَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ»<sup>۴</sup>

«هر آنچه روی زمین است نابود می‌شود و تنها وجه پروردگارت که صاحب شکوه و

اکرام و عظمت است باقی می‌ماند».

از نظر رابطه جهان و انسان، باید گفت جهان عمل و عکس العمل است یعنی جهان نسبت به نیک و بد انسان بی تفاوت نیست، پاداش و کیفر، امداد و مکافات، در همین جهان علاوه بر آنچه در آخرت خواهد بود هست. شکر و کفر یکسان نیست.

۱. طباطبایی، تفسیرالمیزان، جلد ۱۴، صفحات ۱۸۴ - ۱۸۶

۲. سوره حجر، آیه ۲۱.

۳. سوره شوری، آیه ۵۳.

۴. سوره الرحمن، آیات ۲۶ - ۲۷.

«و إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَا زِيدَنَّكُمْ وَ لَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي شَدِيدٌ»<sup>۱</sup>

«و آنگاه که پروردگارتان اعلام کرد که اگر واقعاً سپاسگزاری کنید نعمت شما را افزون خواهیم کرد و اگر ناسپاسی کنید قطعاً عذاب من سخت خواهد بود».

در جهان بینی یک فرد موحد و پیرو ولایت، بعد از این جهان، جهانی دیگر است. آن جهان، جهان ابدیت و پاداش و کیفر اعمال این جهان است. جهان، زمین و آسمان به حق و عدل برپاست.

«ما خلقنا السموات والارض و ما بينهما الا بالحق و أجل مسمى»<sup>۲</sup>

«ما آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است جز به حق و [تا] زمانی معین نیافریدیم».

به هر حال اگر یاوران حضرت حجت (عج) شناخت و بینش و حیانی و عمیق نسبت به عالم هستی داشته باشند و همانگونه که توضیح داده شد آخرتی برای این دنیا معتقد باشند و دنیا را مزرعه آخرت بشناسند و رابطه علی و معلولی بین حوادث و وقایع و اعمال ما قائل باشند یقیناً تأثیری شگرف و بسیار عمیق در همه افعال و اعمال آنها خواهد داشت و تمامی حرکات و سکنات خود را با این جهان بینی هماهنگ خواهند کرد. بنابراین یاران واقعی حضرت بایستی شناخت خود و بینش و بصیرتشان را نسبت به هر آنچه در ارتباط با آن هستند افزایش دهند، آنها بایستی به راستی خالق و قیوم سرای هستی را بشناسند و وظایف خود را نسبت به او تشخیص دهند و جایگاه خویش را در مراتب هستی آن گونه که هست شناسایی نمایند و در ثانی معرفت نسبت به جایگاه ویژه انسانی داشته باشند و قدر و منزلت خویش را تشخیص دهند و در مرحله سوم رابطه و وظایف

۱. سوره ابراهیم، آیه ۷.

۲. سوره احقاف، آیه ۳.



خویش را نسبت به انسانهای دیگر بشناسند و در پایان رابطه‌ای که بین آنها و موجودات هستی غیر از انسانها اعم از عالم غیب و شهود تشخیص دهند ملائکه و لوح و قلم و کرسی و ... موجوداتی غیبی هستند و عناصر طبیعت و موجودات مادی بخش دیگر از هستی را تشکیل می‌دهند.

فرآیند این معرفت‌های چهارگانه است که شخصیت و شاکله اصلی انسان ولایت‌مدار و یار واقعی امام زمان (عج) را تشکیل می‌دهد و تمامی خصوصیات و ویژگی‌ها برخاسته و نشأت گرفته از این چهار وجه است.

## ۲. زنده کردن یاد خدا و معارف حقه الهی

از اهداف امام زمان (عج) احیاء کتاب خدا و برپاداشتن احکام و معارف الهی است. او خواهد آمد تا دین خدا را از پشت غبارها و پرده‌های خرافات و بدعتها نمایان سازد و از تفسیرهای به رأی و ضدیت‌های ستمگران و اربابان تحریف و صاحبان زر و زور نجات دهد. در دعای شریف ندبه چنین آمده است:

«این المؤمن لا حياء الكتاب و حدوده»

«این محیی معالم الدین و أهله»

«این المتخیر لاعادة الملة و الشریعة»

اگر کتاب الهی عین حقیقت و صراط مستقیم است و تمسک به آن مایه نجات بشریت از منجلاب فساد و ضلالت است و بدبختی و فلاکت و هلاکت انسانها زمانی است که این کتاب آسمانی و معارف اصیل و ناب آن را کنار بگذارد چنانچه در حدیث شریف نبوی آمده است:

«انی تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي ما ان تمسكتم بهما لن تضلوا ابداً»

«در میان شما دو شیء گرانبها قرار می‌دهم کتاب خدا و عترت من و مادامی که

تمسک به آن بنمایید هرگز گمراه نخواهید شد».

در این صورت وظیفه یاوران حضرت مهدی (عج) این است که دین خدا را احیا نمایند. مهمترین آفاتی که ممکن است دینداران را گرفتار نماید و آسیب‌هایی برای دین خدا بشمار رود عبارت‌اند:

الف) تفسیر به رأی

ب) بدعت‌ها و نوآوری‌ها در دین

ج) عدم بکارگیری احکام و معارف الهی

د) انحراف مبلغان و دانشمندان دینی

ه) ترویج روحیه اباحی‌گری و بی‌قیدی

و) ناکار آمدن نشان دادن حکومت دینی

ز) ترویج سکولاریسم و جدایی دین و سیاست

همه عوامل مذکور می‌تواند آسیبی جدی برای دین و جامعه دین دار بشمار آید و آنها را به انحطاط بکشاند اینجاست که وجود راسخان در علم و مخاطبان واقعی قرآن باید در احیاء دین و فرهنگ قرآنی بکوشند و یاوران واقعی حضرت مهدی (عج) چنین کسانی هستند که با شناخت واقعی نسبت به دین و جامعه و وضعیت کنونی آن و آسیب‌هایی که آن را تهدید می‌کند می‌توانند به دفاع از دین بپردازند. مصلحان و احیاگران واقعی، پاسداران و یاوران باتقوی و دل سوخته لازم است که با مجهز بودن به اندیشه قرآنی و معارف الهی بتوانند گرد و غبار را از دین بزدایند و قرآن و احکام را از مهجوریت بیرون بیاورند.

امام علی (ع) که خود احیاگر فرهنگ قرآنی بود و کلامش فروتر از کلام خالق و فراتر از کلام مخلوق بود زمانی را ترسیم و تصویر می‌نماید که قرآن و دین خدا در غربت به سر می‌برد:

«روزگاری بر مردم خواهد آمد که از قرآن جز نشانی، و از اسلام جز نامی، باقی

نخواهد ماند. مسجدهای آنان در آن روزگار آبادان، اما از هدایت ویران است. مسجدنشینان و سازندگان بناهای شکوهمند مساجد، بدترین مردم زمین می‌باشند، که کانون هر فتنه، و جایگاه هر گونه خطاکاری‌اند، هرکس از فتنه برکنار است او را به فتنه بر می‌گردانند و هرکس از فتنه عقب مانده او را به فتنه‌ها کشانند...»<sup>۱</sup>

چنین وضعیتی که ممکن است در هر عصر و مصری اتفاق افتد و بسیار تأسفبار و نگران کننده است فتنه‌ها از هر طرف سر در می‌آورد و زمینه‌های گمراهی انسانها خصوصاً قشر جوان و نوجوان فراهم می‌گردد وجود انسانهای ارزشی و الهی و مدافعان اسلام ناب و حقیقت اصیل الهی و احیایگران فرهنگ انسان ساز اسلامی بسیار ضروری می‌باشد.

یاوران حضرت مهدی (عج) بایستی خود مجهز به مبانی اعتقادی و اخلاقی باشند تا بتوانند از احکام الهی و ارکان دینی دفاع نمایند.

همانگونه که در فوق اشاره شد و برخی از آسیبها و آفات را برشمردیم ممکن است انحرافات در جامه‌ها و چهره‌های مختلف نمایان گردد. گاهی دشمنان قرآن را مطابق ظن و رأی خود تفسیر و تأویل می‌برند و برای مطرح ساختن رأی خود و حاکم کردن اندیشه انحرافی‌شان قرآن را به آن تطبیق می‌دهند و حال آنکه قرآن خود سخن خود را تفسیر می‌کند و پس از آن بایستی بر اساس احادیث نبوی و ائمه هدی (ع) از آن معنا و مفهوم گرفت اینجا وظیفه مدافعان واقعی دین است که سره از ناسره و تفسیرهای غیر واقعی و غیر صحیح را از صحیح بازشناسند و آنچه پیام اصلی و غایت واقعی است نمایان سازند و ایشان جز یاوران واقعی حضرت مهدی (عج) کسی نخواهد بود.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۶۹، ترجمه مرحوم محمد دشتی.

بدعت و نوآوری نیز از آسیب‌های جامعه دینی است گرچه هر نوآوری انحراف و گناه نیست اما هر نوآوری و بدعت برخلاف دین مبین اسلام مذموم و مطرود است. بدعت‌های ناپسند، رسم‌ها و آیین‌هایی است بد و ناستوده که با قرآن و سنت ناسازگار است و موجب بیراهی مؤمنان و تباهی اندیشه دینی آنان می‌گردند و به همین سبب انجام دادن آنها ناپسندیده است.<sup>۱</sup>

گاهی تحریفات در مقام عمل است و با شیوه‌های غیردینی و کلاه‌های شرعی به ظاهر عمل به دین می‌کنند و در باطن به مخالفت با آن برخاسته اند مثل قوم یهود که دستور پیغمبرشان بر ماهی نگرفتن در روز شنبه بود و آنها در روز شنبه ماهی‌ها را در کانال اسیر می‌کردند و روز یکشنبه صید می‌کردند که در واقع کار خود را روز شنبه انجام داده بودند یا رباخواری که امروز بسیار رایج است و با حیل‌های گوناگون آن را چهره و جلوه شرعی می‌دهند.

گاهی دشمنان دین و نظام اسلامی که منافع فرهنگی و سیاسی خود را در تعارض با دین و احکام اسلامی می‌بینند سعی و تلاششان بر این است تا اندیشه‌های سکولاریسم و جدایی دین از سیاست را در جهان ترویج نمایند.

ایشان برای القاء و ترویج آن از راه کارها و شیوه‌های مختلفی استفاده می‌کنند از جمله:

۱. القاء اندیشه جدایی و مغایرت بین علم و دین.
۲. دفاع عملی و تئوریک از سکولاریسم.
۳. تعریف انحرافی از دین و ترویج تقدس دین و معنویت و انحصار آن به عدم ورود به عرصه سیاست و حکومت.

۱. دایرة المعارف تشیع، جلد ۳، ماده بدعت.

۴. طرح جانب دارانه پلورالیسم و صراط‌های مستقیم  
 ۵. حاکمیت دین را غیر دموکراتیک نشان دادن و بیان تضاد بین نظام ولایت  
 فقیه و دموکراسی.

۶. خشونت آمیز خواندن حکومت دینی.

۷. ایجاد شبهات در احکام و قوانین حقوقی و جزایی اسلام مثل قصاص، دیه  
 زن، ارث فرزند دختر، حکم ارتداد،...<sup>۱</sup>

در اینجا ضرورت دارد حامیان و مدافعان دین و یاوران واقعی اندیشه ناب  
 اسلام محمدی (ص) که همان یاوران حضرت حجت (عج) هستند در ابعاد مختلف و  
 زمینه‌های گوناگون مجهز و آماده باشند و هوشیاری و بیداری خود را از دست  
 ندهند تا بتوانند به دفاع از دین برخیزند و احیاگران قرآن و تجدیدکننده فرائض  
 و سنن باشند همانگونه که مقتدای آنها چنین است که او «المدخر لتجدید  
 الفرائض والسنن» و «المؤمل لاحیاء الکتاب و حدوده» است.

۳. جهادگران واقعی هستند

یاران حضرت مهدی (عج) جهاد و مبارزه علیه هرگونه ستم را سرلوحه اعمال و  
 برنامه‌های خود قرار می‌دهند آنها هم به طواغیت و دشمنان بیرونی نظر دارند  
 که بنابر حدیث مشهور نبوی جدال و مجاهدت اصغر است و هم به مبارزه با نفس  
 و طاغوت درونی می‌اندیشند و هیچ لحظه‌ای غافل نیستند که بر اساس روایت  
 مذکور مجاهدت اکبر نام دارد.

از ویژگی‌های حضرت، ستم سوزی است که در دعای ندبه چنین گوئیم:

۱. حاجی صادقی، عبدالله، آسیب شناسی ارکان انقلاب اسلامی، صفحه ۲۸ - ۳۹؛ انتشارات زمزم  
 هدایت، چاپ اول، ۱۳۸۳.

«این/المعدّ لقطع دابر الظلمة» کجا است آن حضرت که آماده شده برای ریشه کن کردن نسل ستمگران؟ پیروان و یاوران آن حضرت نیز لحظه‌ای از مبارزه علیه دشمنان غافل نیستند. در اهمیت جهاد همین بس که بیش از سیصد آیه و نزدیک به هزار روایت از جهاد و جنگ در راه خدا سخن رفته است.

پیشوای مجاهدان امام علی (ع) جهاد را واجب دانسته و آن را برای عزت و ارجمندی اسلام ضروری می‌داند و می‌فرماید:

«خداوند جهاد را برای عزّت و ارجمندی اسلام واجب نمود»<sup>۱</sup>

«جهاد دری است از درهای بهشت که خداوند بر روی بندگان خاص خود گشوده است، جهاد جامهٔ پرهیزگاری، زره استوار و سپر مطمئن خداست. هر که آن را ناخوش دارد، خدا جامهٔ ذلت بر او بپوشاند و غرق بلایش نماید و دلش در پردهٔ بی‌عقلی ماند و به کیفر ضایع کردن جهاد از حق دور افتد و کارش به خواری کشد و از انصاف بی‌بهره ماند.»<sup>۲</sup>

آن بزرگوار امت زمان خود را که از جهاد دوری کردند سرزنش می‌نماید و به شکایت از آنها می‌پردازد:

«شب و روز در نهان و آشکار شما را به نبرد با این قوم فرا خواندم و گفتم پیش از آنکه آنها با شما بجنگند بر آنها بتازید. به خدا سوگند، به هیچ قومی در خانه‌هایشان هجوم نیاوردند مگر آنکه زبون دشمن شدند. شما نیز آن قدر از کارزار سربرتافتید و کار را بر گردن یکدیگر انداختید و یکدیگر را یاری ندادید تا هر چه داشتید به تاراج رفت و سرزمینتان جولانگاه دشمنانتان گردید.»<sup>۳</sup>

۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد مهدی فولادوند، حکمت ۲۵۲، صفحه ۴۵۶.

۲. همان، خطبه ۲۷، صفحه ۴۸.

۳. همان، صفحه ۴۷.



حضرت مهدی (عج) برای اقامه عدالت جهانی و رفع ظلم و ستم قیام خواهند کرد:

عدلش چو رو نماید، ظلم و ستم بسوزد بی حضرتش چکاری، بر ظالمان توان زد<sup>۱</sup>  
امیرالمؤمنین (ع) در این باره می فرماید:

«خداوند ناگاه به وسیله مردی از ما اهل بیت گشایش (برای مسلمانان) به وجود می آورد... هم اوست که (دشمنان) در مدت هشت ماه به جز شمشیر و کشتار از او چیزی دریافت نخواهند کرد».<sup>۲</sup>

امام محمد باقر (ع) می فرماید:

«يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»<sup>۳</sup>

«او زمین را پر از عدل و قسط می کند چنان که از ظلم و جور پر شده باشد پس خداوند برای او شرق و غرب زمین را می گشاید».

آن بزرگوار می فرماید:

«اما شباهت داشتن مهدی (عج) به جد گرامیش رسول خدا (ص) قیام و ظهور او با شمشیر و کشتن دشمنان خدا و رسول او و ستمگران و طاغوت است. وی به وسیله شمشیر و ایجاد ترس در دل دشمنان پیروز می گردد و لشکریان او شکست نمی خورند».<sup>۴</sup>

بنابراین از مجموع روایات بدست می آید که آن حضرت برای ایجاد امنیت و آرامش روحی و روانی و قطع ایادی دشمنان و ظلم و ستم ظهور خواهند کرد و

۱. شوق مهدی، فیض کاشانی، صفحه ۱۲۶.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۷، صفحه ۵۸.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، صفحه ۲۹۱.

۴. همان، ج ۵۱، صفحه ۲۱۸.

یاران آن حضرت نیز بایستی جهاد را سرلوحه کار خود قرار دهند و در مقابل ظلم و ستم از هیچ تلاش و کوششی دریغ ننمایند. ظلم و ستم گاهی به خویشتن است مثل اینکه قدر و منزلت خویش را شناسد و خود را شناسد و خود را به ارزانتر از قیمت واقعی اش بفروشد و در اختیار هرکس و با هر قیمتی بگذرد و حال آنکه انسان در مکتب حیاتبخش اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد و خداوند متعال به او کرامت داده است و بر همه موجودات او را برتری بخشیده و همه چیز برای انسان و در جهت رسیدن او به لقاء الهی است همانگونه که از آیه زیر هویدا است:

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»<sup>۱</sup>

«و ما به راستی فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا مسیر دادیم و از نعمت های پاکیزه روزی بخشیدیم و آنها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری دادیم، برتری کمال.»

بنابراین اگر انسان جایگاه واقعی خود را شناسد و یا توجه ننماید و از استعداد خویش برای شکوفایی و رسیدن به کمال مطلوب بهره نبرد و یا اوقات و لحظات خود را به بطالت و سرگرمی بگذراند او در واقع به خود ظلم نموده است و نمی‌تواند جزء یاران حضرت حجت (عج) قرار گیرد.

گاهی ظلم و ستم به انسانهای دیگری است یعنی به خانواده، همکار، جامعه، دوستان و غیره مثل اینکه امانت آنها را رعایت ننماید، خلف وعده بکند، مال آنها را حیف میل نماید، امنیت اقتصادی جامعه را مختل نماید مثلاً به احتکار، گرانفروشی، کم فروشی و اسراف پردازد، آرامش جامعه را بهم بزند مثل اینکه

شایعه پراکنی، ایجاد یأس و نومیدی، مشکلات را چند برابر نشان دادن و سیاهنمایی و امثال اینها همه از مواردی است که ظلم به انسانها محسوب می‌شود و انسان مجاهد و یاران و همراهان امام از اینگونه ظلمها و ستمها بری هستند و نه تنها خود آلوده به این ستمها نیستند بلکه مقابله می‌کنند و سعی در پاکسازی و ایجاد آرامش و امنیت روحی و جانی و عدالت جهانی دارند.

#### ۴. عصیان ستیزی

از برنامه‌های مهم حضرت مهدی (عج) است که با اهل فسق و فجور و گناه و نافرمانی ستیز می‌نماید، در دعای ندبه می‌خوانیم:

«این مبدء اهل الفسوق والعصیان و الطغیان»

«کجا است آن حضرت که اصحاب فسق و عصیان و طغیان را ریشه کن می‌کند».

مولی علی (ع) می‌فرماید:

«حضرت مهدی (عج) از اصحاب خود بیعت می‌گیرد که دزدی نکنند، دامنشان را به

آلودگی نیالایند، مسلمانی را دشنام ندهند، کسی را به ناحق نکشند،... کسی را

زنند، مگر این که مستحق آن باشد،... مال یتیم را نخورند، ... شراب ننوشند،...»<sup>۱</sup>

یار و یاور امام زمان (عج) از گناه و فسق و فجور دوری می‌گزیند و نه تنها گناه

نمی‌کند بلکه به مقابله با گناهکار برمی‌خیزد و امر به معروف و نهی از منکر را در

لوحه اعمال و وظایف خود قرار می‌دهد. یاری امام زمان و ارتباط با آن بزرگوار با

گناه نمی‌سازد. آن بزرگوار در واقع ظاهر و آشکار است و این اعمال بد ما است که

اورا از چشم ما مستور داشته است.

## داستان علی بن مهزیار

مرحوم سید هاشم بحرانی کتابی دارد به نام «تبصرة الولی فی من رأی القائم المهدی (عج)» او پنجاه و پنج داستان از کسانی که خدمت حضرت مشرف شده‌اند نقل می‌کند از جمله داستان علی بن مهزیار که بیست سفر به مکه رفت و در سفر بیستم خدمت حضرت رسید و وقتی قاصد آمد که او را خدمت حضرت ببرد از علی بن مهزیار که کنیه‌اش ابوالحسن بود پرسید: «یا ابا الحسن ما الذی ترید» دنبال چه می‌گردی؟ چه می‌خواهی؟ به قاصد امام زمان (عج) عرض کرد: «أرید الامام المحجوب عن العالم» من دنبال امامی می‌گردم که محجوب و غایب از دیدگان عالم است. مردم او را نمی‌بینند و در پس پرده غیبت بسر می‌برد. قاصد گفت: جواب غلطی دادی. فرمود: «و ما هو المحجوب عن العالم و لكن یحجبه سوء اعمالکم» چه کسی می‌گوید حضرت محجوب از عالم است؟! اعمال بد شما او را محجوب کرده است، مگر کسی را سراغ داریم که ظاهرتر و روشن‌تر از امام زمان (عج) باشد. امام زمان حاضر است و من غایبم.

گفتم که روی خوبت از ما چرا نهان است

گفتا تو خود حجابی ورنه رخم عیان است

گفتم که از که پرسم جانا نشان کویت

گفتا نشان چه پرسی، آن کوی بی نشان است

گفتم مرا غم تو خوش‌تر ز شادمانی است

گفتا که در ره ما غم نیز شادمان است

اینکه انسان هم خود را فراموش نکند و به دنبال مشتتهیات نفسانی خویش باشد و

هم امام زمان (عج) را بخواهد جور در نمی‌آید خداوند به حضرت موسی (ع) فرمود:

«یا موسی! دَعْ نَفْسَكَ وَ تَعَالُ»<sup>۱</sup>

«ای موسی خودت را بگذار و بیا»

گفتم فراق تا کی؟ گفتا که تا تو هستی

گفتم نفس همین است، گفتا سخن همان است<sup>۲</sup>

به هر حال اگر بخواهیم از یاران واقعی حضرت باشیم باید طهارت نفس را نصب العین خود قرار دهیم و تقوای الهی داشته باشیم هم قلب ما از رذایل خالی شود و هم ذهن و افکار را از خیالات و اوهام پاک نماییم و هم در مقابل عمل، اعضا و جوارح خود را پاکیزه کنیم.

بابا طاهر گوید:

عزیز! کاسه چشم سرایت      میان هر دو چشم خاک پایت

از آن ترسم که غافل پا نهی تو      نشیند خار مژگانم به پایت

یعنی کسی که عاشق امام زمان است، کسی که طالب ملاقات دیدار است، نه تنها گناه نمی‌کند، بلکه مواظب است که خار مژه‌های چشمش نیز به پای حضرت نرود. یعنی مراقب است مبادا دل حضرت را آزرده کند، حتی با انجام مکروه.<sup>۳</sup>

خداوند متعال می‌فرماید:

«أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَت تِّجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا

مُهْتَدِينَ»<sup>۴</sup>

«همین کسانی که گمراهی را به بهای هدایت خریدند پس تجارتشان سود نکرد و

هدایت پذیر نبودند»

۱. الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه.

۲. حسین گنجی، ارتباط با حضرت مهدی (عج)، صفحه ۵۶ - ۵۹، انتشارات جمکران، پاییز ۸۳.

۳. همان، صفحه ۸۴.

۴. سوره بقره، آیه ۱۶.

یاران حضرت مهدی (عج) نه تنها خود اهل فسق و عصیان و طغیان نیستند بلکه نابودکننده مستکبران و طغیانگران هستند و در مقابل طواغیت هر عصری ایستادگی و استقامت می‌کنند و در این راه از هیچ فعالیت و تلاشی دریغ نمی‌کنند و طاغوت امروز آمریکا و اعوان و انصار او هستند همانگونه که امام راحل فرمود: آمریکا شیطان بزرگ است.

یاران واقعی امام زمان (عج) نمی‌توانند نسبت به جهان اسلام و حوادثی که در اطراف ایشان رخ می‌دهد بی‌تفاوت باشند چه رسد به اینکه با اعمال خود آنها را یاری دهند. دشمنان نیروهای انقلابی و بسیجیان و یاران حضرت مهدی (عج) در مقابل نیروهای اصیل اسلامی سست بنیان و بی‌اراده هستند و تاب مقاومت ندارند و خانه‌های آنها و اساس مکتب آنها همانند خانه عنکبوت است:

«مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنَ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»<sup>۱</sup>

«مثل کسانی که غیرخدا را اولیاء گرفتند، چون مثل عنکبوت است که خانه ای [بی دوام] برگرفت، و حقا که سست‌ترین خانه‌ها، همان خانه عنکبوت است، اگر می‌دانستند».

دشمنان دین مانند درازگوشان فراری هستند

قرآن کریم تعبیر زیبایی دارد و دشمنان دین و آنهایی که مسیر غیرالهی را انتخاب کرده اند همانند الاغهایی می‌داند که از مقابل شیری فرار کرده‌اند:

«كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ»<sup>۲</sup>

۱. سوره عنکبوت، آیه ۴۱.

۲. سوره مدثر، آیات ۵۰ و ۵۱.

در تفاسیر روایی برخی دشمنان امیرالمؤمنین (ع) را درازگوش نامیده است زیرا درازگوش سمبل نفهمی و بی شعوری است که اگر قرآن هم بارش کنند نمی فهمد بارش چیست و از آن بهره‌ای نمی برد:

«مَثَلُ الَّذِينَ هُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا»<sup>۱</sup>

«قشوره» حضرت علی (ع) است<sup>۲</sup> که دشمنان در برابر او پا به فرار می گذارند.<sup>۳</sup> مصادیق واقعی آیه و شیران زمان کنونی ما که استکبار و منافقین از حضور ایشان در صحنه بیم دارند بسیجیان مخلص و پاسداران واقعی و نیروهای اصیل اسلامی هستند که در طول هشت سال دفاع مقدس، ترس و لرزه بر اندام دشمنان انداختند و حضور ایشان لحظه‌ای برای مخالفان آرامش نگذاشت. آنها با رهبری مجاهد نستوه و قائدی عظیم یعنی امام راحل (قدس سره) شیرانی بودند که دشمنان را که همان درازگوشان بودند به فرار وادار کردند و امروز نیز بر همه ماست که این روحيات را حفظ کنیم و گمان نکنیم انقلاب و تقابل و جنگ با دشمن تمام شده است. رهبر معظم انقلاب چنین فرمود:

«همه آحاد ملت مخصوصاً نیروهای مسلح باید بدانند که آمادگی و هوشیاری برای دفاع تمام نشدنی است و در این مجموعه عظیم ملت و سربازان و مدافعان انقلاب، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد».<sup>۴</sup>

امام راحل (قدس سره القدوسی) ایستادگی در مقابل کفر و ابرقدرتها را لازم می شمارد:

۱. سوره جمعه، آیه ۵.

۲. بحار الانوار، ج ۳۲، صفحه ۶۰۲.

۳. ارتباط معنوی با حضرت مهدی، صفحه ۱۵۶ - ۱۵۷.

۴. حدیث ولایت، جلد ۳، صفحه ۳.



«وظیفه ماست که در مقابل ابرقدرت‌ها بایستیم و قدرت ایستادن هم داریم. جوانان عزیزم... با یک دست قرآن و با دست دیگر سلاح را بگیرید و چنان از حیثیت و شرافت خود دفاع کنید که قدرت تفکر توطئه علیه خود را از آنان سلب کنید.»<sup>۱</sup>

و بر همین اساس است که آمادگی دفاعی و توان همیشگی با قدرت بیشتر ضرورت دارد.

#### ۵. لزوم آمادگی نظامی برای مقابله با دشمنان

دشمنان از طرق و راههای گوناگون به مقابله با مکتب جانفزا و اصلاح طلب اسلام حرکت می‌کنند گاهی مبارزات آنها جنبه اعتقادی و نظری و فکری دارد و با ارائه مکاتب باطل و پوچ و انحرافی یا القاء شبهات و وسواس گمراه کننده سعی در گمراهی و فاسد نمودن جوامع دینی و ارزشی دارند که بایستی با ارائه دلایل قوی و متقن پاسخ گفت. اسلام یک دین کامل و جامع است که در همه زمینه‌ها توانایی پاسخگویی دارد و هدایت بشری را در همه اعصار و امصار می‌تواند به عهده بگیرد. قرآن کریم که قانون الهی است، «تبیاناً لکل شیء» است اما گاهی دشمنان با عناد و لجاجت به مبارزه ادامه می‌دهند یا به مقابله و دشمنی عملی برمی‌خیزند و سعی در اختلال امنیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه دارند اینجا است که از باب (الحديد يفلح بالحديد) بایستی آنها را به جای خود نشانند و در این مسیر گاهی واقعیت جنگ امری اجتناب ناپذیر است و البته این جنگ به عنوان هدف و آرمان نیست بلکه وسیله‌ای برای تحقق اهداف عالی اسلامی است چنانچه در قرآن کریم آمده است:

«وَقْتَلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ»<sup>۱</sup>

«با آنان نبرد کنید تا دیگر فتنه‌ای نباشد و دین همه، دین خدا گردد...»

تاریخ پیامبران نیز سرشار است از این شیوه مبارزه و جهاد. صفحات تاریخ از درگیریهای انبیاء (ع) آکنده است. هر جا جامعه‌ای بنیاد شد و امتی پدید آمد و پیامبر به ادای رسالت برخاست و دعوتی آغاز کرد، درگیری و پیکار نیز به میان آمد و تضادهای پدیدار گشت، زیرا که مراکز قدرت مالی و سیاسی و نظامی... و به تعبیر قرآن کریم: ملأ و محترفان و مستکبران برای حفظ منافع خود، تمام توان و قدرت خویش را به کار می‌گرفتند تا دعوت نو و آیین جدید حاکم نگردد.

پیامبر اسلام که «رحمة للعالمین» است و اشاعة مکارم اخلاقی «بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» شعار اوست، ۸۳ جنگ تدارک دید، حتی با مخالفان داخلی نبرد کرد، و در این زمینه پیامی والا و الهی به بشریت داد و قانونی جاودانه عرضه کرد و خط مشی همه مصلحان و عدالتخواهان و انسان دوستان را چنین ترسیم نمود:

«الخير كله في السيف، و تحت ظلّ السيف و لا يقيم الناس الا السيف،  
والسيوف مقاليد الجنة والنار»<sup>۲</sup>

«تمام نیکی و خیر در شمشیر است و در زیر سایه شمشیر و مردمان را جز شمشیر راست نکند و شمشیرها کلیدهای بهشت و دوزخ است.»

امام محمد باقر (ع) نیز در شرح ضرورت جنگ در جامعه بشری فرموده است:

«الخير كله في السيف و تحت السيف، و في ظلّ السيف... انّ الخير كلّ الخير  
معقود في نواحي الخيل الى يوم القيامة»<sup>۳</sup>

۱. سوره بقره (۲)، آیه ۱۹۳.

۲. امالی صدوق/۱۵۷؛ «وسائل الشیعه» ۵/۱۱ به نقل از کتاب عصر زندگی تألیف محمد حکیمی، صفحه ۶۰-۶۱.

۳. وسائل الشیعه، ۹/۱۱ به نقل از همان.

«تمامی نیکی‌ها در شمشیر و زیر شمشیر و در سایه شمشیر نهفته است... نیکی، همه نیکی، به پیشانی اسبهای پیشتاز (میدانهای جنگ) گره خورده است تا روز قیامت».

امام زمان (عج) نیز از این قاعده مستثنی نیست و برای احیاء کتاب خدا و حدود الهی و فرائض و سنن از شمشیر استفاده خواهد کرد چنانچه مولی الموالی امام علی (ع) فرمود: ... پدرم فدای فرزند بهترین کنیزان (مقصود امام قائم (عج) است)، (ظالمان و بدکاران را) خوار و ذلیل خواهد کرد، و جام زهر آگین به کامشان خواهد ریخت، و با شمشیر و کشتاری فراگیر با آنان برخورد خواهد نمود.<sup>۱</sup>

از امام محمد باقر (ع) نیز روایت شده که قائم آل محمد (ص) شباهتهایی با پنج تن از پیامبران دارد که شباهت او به جدّ خود، قیام با شمشیر است و کشتن دشمنان خدا و پیامبر و جباران و سرکشان، او با نیروی شمشیر و نیروی ترس که در دل جباران افکنده می‌شود مدد می‌گردد.<sup>۲</sup>

مفضل می‌گوید: از امام صادق (ع) معنای این آیه را پرسیدم: «ولنذیقنهم من العذاب الا دنی دون العذاب الا کبر» فرمود:

عذاب نزدیک، گرانی نرخهاست و عذاب بزرگتر قیام حضرت مهدی با شمشیر است.<sup>۳</sup>

هرگاه جنگ امری قطعی و ضروری است و از آن نمی‌توان پرهیز کرد آمادگی برای این جنگ نیز که مقدمه است امری قطعی است. او به یارانی خستگی ناپذیر و آماده و مهیاد در ابعاد بدنی و روحی لازم دارد و تدارک چنین نیروهایی که متناسب با قیام حضرت مهدی (عج) باشد لازم است و بایستی در زمینه‌های مختلف آموزشهای گوناگونی ببینند چنانچه قرآن کریم می‌فرماید:

«و اعدو لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل...»

۱. غیبت نعمانی، صفحه ۲۲۹.

۲. کمال الدین، ۳۲۷/۱ به نقل از همان صفحه ۶۴.

۳. بحار الانوار، ۵۹/۵۱ به نقل از همان صفحه ۶۵.

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: باید هر یک از شما برای خروج قائم اسلحه تهیه کند، اگر چه یک نیزه، چون وقتی خدا ببیند کسی به نیت یاری مهدی اسلحه تهیه کرده است، امید است عمر او را دراز کند تا ظهور را درک نماید و از یاوران مهدی باشد.<sup>۱</sup>

امام سجاد (ع) فرمود:

هنگامی که قائم قیام کند، خداوند هر عیب و نقصی را از شیعیان برطرف می‌کند، و دل‌های آنان را چنان پاره‌های پولاد می‌گرداند. قدرت هر مرد از آنان را به اندازه قدرت چهل مرد قرار می‌دهد. و آنگاه آنان حاکمان و فرمانروایان زمین خواهند بود، و سران بزرگوار جهان.<sup>۲</sup>

قیام امام مهدی (عج) با ۳۱۳ تن افراد مخصوص و مشخص آغاز می‌گردد، لیکن تهاجم برای گسترش قیام و انقلاب به دیگر نواحی جهان و آزادی ملت‌های دربند، پس از گردآمدن ده هزار آغاز خواهد شد و تردید نیست که به تدریج بر این گروه نیز افزوده خواهد گشت، و آزادگان وارسته دیگری صحنه به صحنه به این ارتش خدایی خواهند پیوست.<sup>۳</sup>

در تشکیل هسته اصلی آن پیکار بزرگ و جهاد مقدس، زنان نیز نقش دارند و طبق تعبیر برخی از احادیث حدود پنجاه زن، از یاران اصلی امام و همراه هسته مرکزی آن قیام و همراه ۳۱۳ تن می‌باشند.

نویسنده کتاب «عصر زندگی» از حضور زنان دو نکته استفاده می‌کند:

۱. غیبت نعمانی، ۳۲۰؛ بحار الانوار، ۳۶۶/۵۲.

۲. بحار الانوار، ۳۱۷/۵۲.

۳. عصر زندگی، صفحه ۷۳.

۱. زنان که در طول تاریخ از حقوق خویش محروم بودند و شخصیت آنان تحقیر گشته بود، در دوران آن انقلاب بزرگ، شخصیت واقعی خویش را باز خواهند یافت و به عنوان کارگزاران اصلی تحول عظیم در جامعه جهانی شرکت خواهند داشت. این موضوع اهمیتی ویژه دارد که ارزش واقعی و پایه قدرت و توانمندی نوع زن و ارزشیابی استعدادهای او را - در صورتی که خود را ساخته باشند - مشخص می‌سازد.

۲. زنان اگر در جهاد و رویارویی مستقیم شرکت نکنند، در دیگر پستها و مأموریتها و سازندگیها می‌توانند مشارکت داشته باشند، همچنین در گسترش فرهنگ اسلامی و تبیین خطوط اصلی و آموزش معارف الهی و جایگزین ساختن معیارها و اصول انقلاب مهدوی (ع) می‌توانند کارآمد باشند و نقشهای اصلی و اصولی را برعهده گیرند، و از اصل جهاد و جنگ که گذشت، در مسائل پشت جبهه و دیگر مسائل اجتماعی و فرهنگی و تربیتی می‌توانند نقشی سازنده داشته باشند.<sup>۱</sup>

امام باقر (ع) فرمود:

«و یحییء واللہ ثلاثاً و ثالث عشر رجلاً فہم خمسون امرأة»<sup>۲</sup>

«به خدا سوگند سیصد و سیزده تن از مردان نزد او آیند که با آنان پنجاه زن نیز هست...»

امام خمینی (قدس سره) و مقام معظم رهبری (مد ظله) به لزوم آمادگی و ایجاد توانمندی و مجهز شدن به انواع آموزشهای نظامی در ابعاد مختلف تأکید دارند. امام راحل حتی درباره فقهاء و مجتهدین نیز تأکید می‌کنند که فقیه باید جنگجو هم باشد، فقیه باید سیاف (شمشیرزن) باشد ولی فقیه هم باشد و فقهش را از دست ندهد.<sup>۳</sup>

۱. عصر زندگی، صفحه ۷۴-۷۵.

۲. تفسیر عیاشی، ۶۵/۱؛ بحار الانوار، ۲۳۲/۵۲.

۳. دژهای استوار (رهنمودهای امام و رهبری در باره نیروهای مسلح)، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه،

مقام معظم رهبری می‌فرماید:

«نیروی دفاعی جامعه و نظامی که آرمان‌های آن حد و مرز نمی‌شناسد، بی‌گمان باید یک نیروی دفاعی مستحکم، قوی، آموزش دیده و مجهز به سلاح، دانش و تجربه و سلاح‌های جنگی باشد.»<sup>۱</sup>

در جای دیگر می‌فرماید:

«نیروهای اسلام آن وقتی که با برنامه ریزی و دقت و با اراده و تصمیم وارد بشوند هیچ دژی نیست که در مقابل آنها بتواند مقاومت کند.»<sup>۲</sup>

۶. یاوران حضرت مهدی عزیز و ارجمندند

در دعای شریف ندبه می‌خوانیم:

«این معزّ الا ولیاء و مذلّ الاعداء»

«کجا است آن بزرگوار که دوستان را عزت و دشمنان را خواری می‌دهد»

البته عزت و بزرگواری برای انسانها و جوامع بشری همه به دست خداست همانگونه که ذلت و خواری آنها به دست او است «تعزّ من تشاء و تذل من تشاء» عزت و بزرگواری واقعی در نزد خدا مشخص است اما ممکن است در جامعه علی‌الظاهر به گونه دیگری باشد و دشمنان و طاغوت‌های هر عصری که بنای خود را بر استخفاف و تحقیر و استعمار مؤمنین و انسانها گذاشته‌اند همانگونه که درباره فرعون آمده است که «فاستخف قومه فاطعوه» و آنها این شیوه را از این جهت پی‌ریزی کرده‌اند تا مردم را به اطاعت و انقیاد خود در آورند آنها با ذلیل کردن انسانها از طریق حيله و تزویر و زر و زور خود را حاکمان و عزیزان جامعه قرار دادند و مؤمنین را به خواری کشاندند اما امام زمان (عج) خواهد آمد تا

۱. همان.

۲. همان، صفحه ۳۳۲.

پیروان اصیل اسلام ناب و دوستان واقعی اهل بیت را عزت بخشند و دشمنان را خوار و ذلیل نماید.

از امام باقر (ع) نقل شده است که فرمود:

«گویا اصحاب قائم (ع) را می‌بینم که تمام شرق و غرب عالم را تحت سیطره خود در آورده‌اند. در تمام دنیا چیزی نیست جز این که از آنها اطاعت می‌کند، حتی درندگان زمین و پرندگان شکاری نیز تلاش می‌کنند که رضایت آنان را جلب کنند. چون یکی از آنها بر منطقه‌ای بگذرد، آن قطعه زمین بر دیگر زمینها مباحات کند و گوید: امروز یکی از یاران قائم (عج) بر روی من پا نهاد.»<sup>۱</sup>

البته عزت واقعی مخصوص خداست و انسانهای دیگر به اندازه اتصال به پروردگار و پیروی از او عزیز می‌باشند، مولی علی (ع) فرمود:

«ستایش خداوندی را سزااست که لباس عزت و بزرگی پوشید، و آن دو را برای خود انتخاب، و از دیگر پدیده‌ها باز داشت. آن دو را مرز میان خود و دیگران قرار داد و آن دو را برای بزرگی و عظمت خویش برگزید...»<sup>۲</sup>

## ۷. اتحاد و یک دلی

اتحاد و همدلی و برادری مایه رشد و شکوفایی یک جامعه است و قرآن کریم توصیه فرموده است به اینکه مؤمنین با یکدیگر اختلافی نداشته باشند و همگی به ریسمان الهی چنگ بزنند:

«و اعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا»<sup>۳</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، صفحه ۳۲۷، ح ۴۳؛ به نقل از کتاب ظهور حضرت مهدی (عج) دیدگاه اسلام و

مذاهب و ملل جهان، سید اسدالله هاشمی شهیدی، صفحه ۴۳۷.

۲. ترجمه نهج البلاغه، محمد دشتی، خطبه ۱۹۲.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.



جامعه‌ای که دچار اختلاف و پراکندگی و نزاع شوند خاصیت خود را در جهت پویایی و حرکت به سوی اهداف متعالی از دست می‌دهند و نمی‌توانند به آرمانهای مطلوب خود برسند. قرآن به صراحت نزاع را عامل «فشل» شدن می‌داند یعنی عامل سستی و رکود و عقب افتادگی: «و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ربکم»<sup>۱</sup> قرآن کریم مؤمنین را برادران یکدیگر می‌داند:

«انما المؤمنون اخوه»<sup>۲</sup>

خداوند متعال اهل کتاب را نیز به وحدت و یکپارچگی دعوت نموده است:

«قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سوا بیننا و بینکم»<sup>۳</sup>

مولی علی (ع) اختلاف رأی عالمان را در احکام قطعی اسلام سرزنش می‌کند و خود محوری برخی در قضاوت را مورد نکوهش قرار می‌دهد. حضرت می‌فرماید:

«در صورتی که خدایشان یکی، پیغمبرشان یکی و کتابشان یکی است، آیا خدای سبحان، آنها را به اختلاف، امر فرمود که اطاعت کردند؟ یا آنها را از اختلاف پرهیز داد و معصیت خدا نمودند؟»<sup>۴</sup>

آن بزرگوار می‌فرماید: آیا خدای سبحان دین ناقصی فرستاد و در تکمیل آن از آنها استمداد کرده است؟ آیا آنها شرکاء خدایند که هر چه می‌خواهند در احکام دین بگویند و خدا رضایت دهد؟

آیا خدای سبحان، دین کاملی فرستاد پس پیامبر (ص) در ابلاغ آن کوتاهی

۱. سوره انفال، آیه ۴۶.

۲. سوره حجرات، آیه ۱۰.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.

۴. نهج البلاغه، خطبه ۱۸، ترجمه محمد دشتی.

ورزید؟ در حالی که خدای سبحان می‌فرماید: «ما فرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ»<sup>۱</sup> و «فِيهِ تَبَيَانٌ لِكُلِّ شَيْءٍ»<sup>۲</sup> یعنی ما در قرآن چیزی را فروگذار نکردیم و در قرآن بیان هر چیزی است. و بعضی از قرآن گواه بعض دیگر است و در آن اختلافی نیست، و خدای سبحان فرمود:

«اگر قرآن از طرف غیر خدا نازل می‌شد اختلافات زیادی در آن می‌یافتید»<sup>۳</sup>.

امام علی (ع) می‌فرماید:

از خدعه‌ها و فریب‌های شیطان است که راه‌های خود را به مردم آسان جلوه می‌دهد تا گره‌های محکم دین یکی پس از دیگری گشوده شود و به جای وحدت و هماهنگی، بر پراکندگی آنها بیفزاید.<sup>۴</sup>

امام خمینی (ره) فرمود:

«اگر ۱۲۴ هزار پیامبر جمع شوند و بخواهند حکومت کنند هیچ اختلافی ندارند»<sup>۵</sup> به هر حال این اختلاف در جامعه مؤمنین ناشی از حب نفس و هواهای نفسانی است و بزرگترین لطمات و آسیبها از ناحیه تفرقه و اختلاف به جامعه دینی وارد می‌شود.

جان گرگان و سگان از هم جداست متحد جانهای شیران خداست

از روایات استفاده می‌شود که اصحاب حضرت مهدی (عج) از نژادها و مناطق

مختلف عالم هستند چنان که امام صادق فرمود:

۱. سوره انعام، آیه ۳۸.

۲. سوره نحل، آیه ۸۹.

۳. سوره نساء، آیه ۸۲.

۴. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۱.

۵. شرح وصیت نامه، ابراهیمی، صفحه ۶۴.

«فیصیر الیه انصاره من اطراف الارض، تطوی لهم طياً حتی یبایعوه»<sup>۱</sup>

یاران حضرت مهدی (عج) از سراسر گیتی به سوی او می‌شتابند و زمین زیر پای آنان بسان طوماری، درهم پیچیده می‌شود تا هر چه سریع‌تر به مکه برسند و با آن حضرت بیعت کنند. از سوی دیگر همه آنها، جز تعداد اندکی جوان، پر قدرت و بانشاط هستند. با این که این ویژگی‌ها زمینه بسیار مساعدی برای بروز اختلاف و پراکندگی است، ولی هیچ تأثیر منفی در همدلی و برادری یاران آن حضرت نخواهند داشت و چنان رفتار برادرانه‌ای با هم دارند گویا فرزندان یک پدر و مادر می‌باشند «ان اصحاب القائم (عج) یلقی بعضهم بعضاً کانهم بنواب و أم»<sup>۲</sup> اندیشه‌ها و آرمانهای الهی چنان آنان را به خود معطوف ساخته که نه در رفتارشان و نه در افکارشان هیچ انگیزه شیطانی و اختلاف‌انگیزی دیده نمی‌شود. رهبر، هدف و راهشان یکی است و در وارستگی بی نظیرند و از این رو «خودی» نمی‌بینند تا در همدلی شان خدش‌های وارد شود.<sup>۳</sup>

لطف و صفا و دوستی و برادری به حدی بین یاوران حضرت مهدی (عج) وجود دارد که پیشوای یازدهم (ع) ایشان را «دوستان با صفا» می‌نامد.<sup>۴</sup>

امام محمد باقر (ع) رفاقت و برادری ایشان را چنین توصیف می‌کند:

«زمان قیام قائم، دوران رفاقت و همدلی فرا رسد، مرد به سراغ مال برادر رفته و

حاجت خود را برمی‌دارد و هیچ کس او را منع نمی‌کند».<sup>۵</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، صفحه ۳۳۴.

۲. البرهان فی تفسیر القرآن، جلد ۲، صفحه ۲۴.

۳. علامه مه‌ری، سید مصطفی، مهدی موعود یارانی اینگونه دارد، صفحه ۸۱ - ۸۲، انتشارات علامه بحرانی، زمستان ۸۰.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، صفحه ۳۵.

۵. همان، صفحه ۳۷۲.

## ۸. ایمان و اعتقاد کامل

اعتقاد قلبی و راسخ به گونه‌ای که آثار آن در اعمال و افعال انسان آشکار باشد و ما از آن به «ایمان» تعبیر می‌کنیم به انسان عشق و امید و دلگرمی و حرکت به سوی اهداف متعالی و انگیزه و جوشش می‌بخشد. عشق و ایمان مایه حرارت و گرمی زندگی می‌شود و انسان ساز است. ویل دورانت در کتاب «تاریخ تمدن» اهمیت و اثر ایمان را چنین می‌نویسد:

«ثروت، خستگی آور است، عقل و حکمت، نور ضعیف سردی است، اما عشق است که با داداری خارج از حدود بیان دل‌ها را گرم می‌کند».<sup>۱</sup>

وقتی که مردم به نور ایمان حقیقی روشن شده باشند... به همه لذتها و شهوت‌ها پشت پا می‌زنند. آن‌ها خود را و همه چیز را از خداوند ازلی دانسته و همه را به او تفویض می‌کنند. بنابراین کسی که دلش به نور حقیقی روشن شده می‌تواند بگوید: چقدر سعادت‌مند هستم که دست خداوند بر سر من است این‌ها مردمی آزاد هستند که فارغند از رنج عذاب و امید بهشت و ثواب، در یک زندگی تسلیم مطلق به خداوند، آزاد، سوزان از عشق و محبت به سر می‌برند...<sup>۲</sup>

یاوران حضرت مهدی (عج) خداجویی و توحید در سرلوحه اعمال و عقاید آنها است. ایشان خدا را به شایستگی شناخته و همه وجودشان غرق جلوه نور ایزدی است. همه چیز را جلوه او دیده و جز یاد او، سخن دیگران در نظرشان بی لطف و جاذبه است یعنی به واقع به وحدت شهود و بلکه بالاتر به مرحله وحدت وجود رسیده‌اند و هیچ مؤثری در عالم جز خدای سبحان قبول ندارند و توحید افعالی و ذاتی و صفاتی آنها کامل است و نتیجه آن که به توحید عبادی رسیده‌اند. غیب

۱. لذات فلسفه، ویل دورانت، صفحه ۱۳۵.

۲. ویلیام جیمز، دین و روان، ترجمه قاینی، صفحه ۲۱.

را چونان شهود دیده‌اند و از صفای روحانی عالم معنی نوش کرده‌اند. ایمانی خالصانه در سینه دارند که شک و تردید با آن بیگانه است.<sup>۱</sup> در شناخت حقیقت به مرتبه یقین رسیده‌اند و حقایق را بدون پرده مشاهده می‌کنند.<sup>۲</sup> آن قدر به خدا و اوصاف او شناخت و آگاهی دارند که به مرحله یقین رسیده‌اند و چنانچه پرده‌ها و موانع هم برداشته شود به علم و یقین آنها افزوده نمی‌شود چنانچه مولی علی (ع) فرمود:

«لو كشف الغطاء ما ازددت يقيناً»

«اگر پرده برداشته شود به یقین من افزوده نمی‌شود»

و نتیجه این یقین خشیت و ترس همراه با شعور و آگاهی آنها از ذات پروردگار است و نتیجه این خشیت آن است که در انجام وظایف کوتاهی نمی‌کنند و شوق دیدار محبوب آنها را واله و سرگردان نموده است و سر از پا نمی‌شناسند و لحظه شماری می‌کنند تا به وصال محبوبشان واصل آیند.

امام به حق ناطق صادق مصدق (ع) اوصاف ایشان را چنین می‌فرماید:

«رجال كان قلوبهم زبر الحديد لا يشوبها شك في ذات الله... كالمصابيح كان قلوبهم القناديل و هم من خشية الله مشفقون يدعون بالشهادة يتمنون ان يقتلوا في سبيل الله».<sup>۳</sup>

«مردانی که گویا دل‌هایشان پاره‌های آهن است. غبار تردید در ذات مقدس خدای، خاطرشان را نمی‌آلاید... همانند چراغ‌های فروزانند، گویا دل‌هایشان نور باران است. از ناخشنودی پروردگارشان هراس دارند. برای شهادت دعا می‌کنند و آرزومند کشته شدن در راه خدایند».

۱. کمال الدین، ج ۳۷۸/۲، به نقل از کتاب «چشم به راه مهدی»، صفحه ۳۷۲.

۲. همان، ج ۲۹۱/۱.

۳. بحار الانوار، ج ۳۰۸/۵۲.

حضرت امیر(ع) مردم طالقان را به خاطر ایمان به خدا می ستاید و می فرماید:  
 «بَخَّ بَخَّ لِلطَّالِقَانِ فَإِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى كُنُوزَ لَيْسَتْ مِنْ ذَهَبٍ وَ لَا فِضَّةٍ وَ لَكِنْ بَهَا  
 رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَ هُمْ أَيْضاً أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ»<sup>۱</sup>  
 «خوشا به حال طالقان که خدای بزرگ در آن گنجهای نهفته دارد برتر از طلا و  
 نقره. آن گنجها، مردانی مؤمن هستند که خدای را به شایستگی شناخته‌اند. آنان  
 یاوران مهدی در آخر الزمان هستند».

### آثار تربیتی ایمان

ایمان به خداوند که در حد اعلای آن در انصار و یاوران حضرت مهدی(عج) وجود  
 دارد آثار فراوان تربیتی در آنها ایجاد نموده است که هر کدام ویژگی کمالی و  
 ارزشمندی است که دلها را به سوی آنها متمایل می سازد از جمله:

#### الف) خوش بینی نسبت به نظام آفرینش

انسان مؤمن و معتقد چون جهان را مادی محض نمی داند بلکه موجودات  
 غیرمادی و مجردات نورانی را در عالم هستی معتقد است تفسیری هدفمند از  
 خلقت دارد و جهان هستی را عبث و پوچ نمی شمرد و چنانچه در اطراف خود امری  
 ناخوشایند و ناملایم ببیند آن را مغایر عدالت پروردگار نمی داند و نظام آفرینش  
 را در کل یک نظام احسن و عادلانه و متقن می شناسد.

#### ب) بصیرت

یاران حضرت مهدی(ع) در بصیرت، درایت و خردمندی سرآمدند. در فتنه‌هایی که  
 زیرکان در آن فرو می مانند، هوشیارانه راه جویند و حق را از باطل باز شناسند:

۱. ینابیع الموده / ۴۴۹، به نقل از کتاب «چشم به راه مهدی»، صفحه ۳۷۳.

«چون فرمان خدا آزمایش را به سرآورد، شمشیرها در راه حق آختند و بصیرتی را که در کار دین داشتند آشکار کردند. طاعت پروردگارشان را پذیرفتند و فرمان واعظشان را شنیدند»<sup>۱</sup>.

### ج) امیدواری

انسان مؤمن چون دارای جهان بینی الهی است و معتقد است که این جهان به عبث آفریده نشده است و اعمال و افعال انسان اعم از نیک و بد، حساب و کتاب دارد و خداوند کارهایش حکیمانه است و هرکس را به سزای اعمال خود می‌رساند:

«فمن يعمل مثقال ذرة خيراً يره و من يعمل مثقال ذرة شراً يره»

و او خلاف وعده‌های خویش عمل نخواهد کرد لذا به اعمال و افعال خود امیدوار است و نور امید و نشاط بهجت در دل او همیشه تلالو می‌کند. انسان مؤمن معتقد است که اگر خدای را یاری رساند و در جهت دستورات و فرامین او قدم نهد خداوند نیز او را یاری می‌رساند و قدمهای او را استوار می‌گرداند.<sup>۲</sup> او می‌داند که با صبر و بردباری و تحمل ناملایمات، جایگاه خوب و سعادت‌مندانه ابدی پیدا می‌کند و از متقین خواهد بود و عاقبت نیز برای متقین است.<sup>۳</sup> او می‌داند که خداوند هیچگاه اجر و پاداش مؤمنین و نیکوکاران را تباه نمی‌سازد و هرکسی را به کاری که کرده جزا خواهد داد.<sup>۴</sup>

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰، ترجمه فیض الاسلام.

۲. سوره محمد، آیه ۷.

۳. سوره هود، آیه ۴۹.

۴. سوره توبه، آیه ۱۲۰.



**د) اطمینان و آرامش دل**

انسان هر چقدر در زمینه های مختلف علمی رشد نماید و با صنایع و تکنولوژی روز آگاهی و آشنایی پیدا نماید مادامی که وصل به معبود و خالق هستی نباشد و اعمال خود را با آن آفریدگار و دستورات او تطبیق ندهد نمی تواند به آرامش و سکونت دل دست یابد. ایمان و اعتقاد دینی سبب می شود که انسان همواره احساس نماید متکی و متصل به جایی است که خیر و صلاح او در دست او است آنگاه که انسان در پرتو دستورات الهی عامل به آنها می شود و نور حق و یقین در دلش نورافشانی می کند و جایگاه ابدی خود را به «عین الیقین» بلکه به «حق الیقین» لمس و مشاهده می کند آرامش پیدا می کند که «الا بذكر الله تطمئن القلوب» و چنین انسانی است که خطاب «نفس مطمئنه» به او می شود:

«يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ۝ اِرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً ۝ فَادْخُلِي فِي عِبَادِي ۝ وَاَدْخُلِي جَنَّتِي»<sup>۱</sup>

«تو ای جان آرام یافته، به اطمینان رسیده، به سوی پروردگارت بازگرد که تو از او خشنود و او از تو خشنود است. پس به جمع بندگانم درآی و در بهشت من داخل شو».

یاوران حضرت مهدی از چنین دل‌هایی برخوردارند و در برابر سختی‌ها و ناملايمات همچون کوهی استوارند و در ایمان و تصمیم و اراده آهنین آنها خللی وارد نمی شود.

**ه) بهره مندی از لذتهای معنوی**

لذتهای معنوی در مقابل لذتهای جسمانی و مادی بسیار ارزشمند و نشاط آورتر است. لذتهای معنوی پایدارتر و زیباتر از لذتهای زودگذر جسمانی است و البته

هر دو لذت ضروری است و هر دو نیز در قرآن کریم وعده به آنها داده شده است. در روایت است که در روز قیامت که انسانهای بهشتی بهره‌مند از لذتهای مادی و جسمی هستند و در خوشیها و شادمانی‌ها بهره‌مندند خطاب به آنها می‌رسد که آیا دوست دارید شما را به جایی دیگر که بهتر از اینجا است برسانم؟! آنها با تعجب و شگفتی گویند که مگر بهتر از اینجا هم مکانی وجود دارد؟ که خطاب می‌رسد «رضوان الله هی اکبر» و آن بهشت رضوان خداست که انسان مورد خطاب خداوند قرار می‌گیرد که از او راضی است و انسانهای مؤمن نیز از خدا راضی هستند. یاران حضرت مهدی (عج) دل به لذتهای معنوی و پایدار الهی بسته‌اند، آنها مناجات بامحبوب خود را و معرفت به خدای سبحان را بهترین لذت می‌دانند و حاضر نیستند، در مقابل تمام هستی، لذات معنوی را از دست بدهند. هرچه علم و معرفت به محبوب بیشتر شود ابتهاج و شادمانی بیشتر می‌شود و هرچه محبوب والاتر و ارزشمندتر باشد شادی و نشاط بیشتر خواهد شد همانگونه که درباره حضرت حق آمده است:

«اشد مبتهج بذاته هو الا ول تعالی»

«شادمان‌ترین موجود به ذات خود، پروردگار متعال است.»

### (و) زندگی سالم اجتماعی

در پرتو ایمان و اعتقاد به حکمت پروردگار و اینکه هرکاری دارای حساب و کتاب است و خداوند در روز قیامت به اعمال انسانهای صالح و طالح رسیدگی می‌کند و نیکوکاران را به پاداش و بدکاران را به سزای اعمال خود خواهد رساند، انسان تلاش خواهد کرد به حقوق دیگران تجاوز نکند و رعایت جان و عرض و مال مردم بنماید.

در پرتو اعتقاد به خدا است که انسان مواظب اعمال و رفتار خود نسبت به دیگران است و می‌داند که هر کسی نسبت به دیگری دارای حق و حقوقی است پدر و مادر او، معلمین، همسایگان، دوستان، پیامبران و اولیاء الهی و در نهایت خداوند سبحان به عهده او حق و حقوقی دارند و انسان خالص و مخلص سعی دارد تا این حقوق را ضایع نسازد و در پرتو همین مراعاتها است که روابط اجتماعی سالم می‌گردد و مفسد اجتماعی کم می‌گردد و امنیت اجتماعی جایگاه واقعی خود را پیدا می‌کند. امام علی (ع) فرمود:

«چون قائم ما قیام کند کینه‌ها از دلها بیرون رود، حیوانات نیز با هم سازگاری کنند. در آن روزگار زن با همه زیب و زیور خویش، از عراق درآید و تا شام برود و از هیچ چیز نترسد.<sup>۱</sup>

در این جامعه، انسان به انسان نزدیک می‌شود، دوستی و مهرورزی جای کینه توزی و دشمنی را می‌گیرد. تضاد، درگیری و تزاخم جایش را به رقابت سالم و آزاد و انسانی می‌دهد. و دارالسلام و جامعه امن و زندگی آرام و آسوده‌ای که نمونه زندگی در بهشت جاوید است نصیب انسان می‌گردد.<sup>۲</sup>

امام صادق (ع) در تفسیر و معنی آیه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ... لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ... وَلَيُؤْتِيَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...»<sup>۳</sup>؛ یعنی خدا به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند... وعده داد که به یقین در روی زمین ایشان را خلیفه کند... و وحشتشان را به امنیت بدل سازد، فرمود این آیه درباره قائم و یارانش نازل شده است.<sup>۴</sup>

۱. منتخب الاثر، ۴۷۴/، به نقل از کتاب عصر زندگی، صفحه ۲۰۲.

۲. عصر زندگی، صفحه ۲۰۰.

۳. سوره نور (۲۴)، آیه ۵۵.

۴. غیبت نعمانی، صفحه ۲۴۰.

جامعه در دست مؤمنان قرار می‌گیرد و مؤمنان مرزبانان حق و حقوق همگانند و در برابر خدا و خلق تعهدی ایمانی دارند.

### ۹. عبادت و بندگی نسبت به خدا و اطاعت از رهبری

عبادت و بندگی و پرستش نتیجه و زاییده معرفت نسبت به معبود و خدای سبحان است و هر چقدر این معرفت افزوده شود، پرستش انسان عمیق تر و خالصانه تر خواهد شد و همانگونه که حضرت امیر فرمود:

«لَمْ أَعْبُدْ رَبًّا لَمْ أَرَهُ»

«خدایی را که ندیده‌ام عبادت نکرده‌ام»

علامه شهید استاد مرتضی مطهری در وصف پرستش می‌فرماید:

«شناخت خدای یگانه به عنوان کاملترین ذات با کاملترین صفات، منزله از هر گونه نقص و کاستی، و شناخت رابطه او با جهان که آفرینندگی و نگهداری و فیاضیت، عطوفت و رحمانیت است، عکس‌العملی در ما ایجاد می‌کند که از آن به «پرستش» تعبیر می‌شود»<sup>۱</sup>

او معتقد است پرستش نوعی رابطه خاضعانه و ستایشگرانه و سپاسگزارانه است که انسان با خدای خود برقرار می‌کند. این نوع رابطه را انسان تنها با خدای خود می‌تواند برقرار کند و تنها در مورد خداوند صادق است، در مورد غیر خدا نه صادق است نه جایز.

وی پرستش را به دو بعد قولی و عملی تقسیم می‌کند. پرستش قولی عبارت است از یک سلسله جمله‌ها و اذکار که به زبان آورده می‌شود مانند قرائت حمد و سوره و اذکاری که در رکوع و سجود و تشهد انجام می‌شود و یا ذکر لَبَّيْكَ که در حج

۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد، جلد ۲، صفحه ۹۴.

خوانده می‌شود و پرستش عملی مانند قیام و رکوع و سجود در نماز یا وقوف عرفات و مشعر و طواف در حج.<sup>۱</sup>

یاران حضرت مهدی (عج) پرهیزگاران و مؤمنان واقعی هستند که شبها را به عبادات و نیایش پروردگار می‌گذرانند و آنها مستغفرین بالاسحار هستند و جزء شریفترین افراد امت پیامبرند چنانچه حضرت ختمی مرتبت فرمود:

«اشراف امتی حملة القرآن و اصحاب اللیل»

«شریفترین امت من حاملان قرآن و یاران شب هستند»

عبادت یاران مهدی از روی ترس از جهنم و از نوع عبادت بردگان نیست و هم از روی طمع و امید به بهشت و استفاده از لذتهای بهشتی و از نوع عبادت تجار و معامله‌گران نیست بلکه عبادت آنها از روی شوق و علاقه به خدای سبحان است و عبادت آنها از نوع عبادت احرار و آزادگان است. از ترس خداوند، نیمه شب، چونان مادران فرزند مرده می‌گریند. شب زنده‌داران و روزه‌داران.<sup>۲</sup>

ایشان مردانی سبک خوابند و در نماز، بسان زنبور عسل، زمزمه کنان.<sup>۳</sup>

امام محمد باقر (ع) می‌فرماید:

«گویا، قائم و یارانش را در نجف اشرف می‌نگرم، توشه‌هایشان به پایان رسیده و

لباسهایشان مندرس گشته است. جای سجده بر پیشانی‌شان نمایان است. شیران

روزند و راهبان شب».<sup>۴</sup>

۱. همان، صفحه ۹۵.

۲. حائری یزدی، شیخ علی، الزام الناصب، جلد ۲/۲۰.

۳. بحار الانوار، ج ۳۰۸/۵۲.

۴. همان، ج ۷/۵۳.

- استاد شهید مرتضی مطهری روح عبادت و پرستش را در چند چیز خلاصه می‌کند و معتقد است انسان با عبادت قولی و عملی خود چند مطلب را ابراز می‌دارد:<sup>۱</sup>
۱. ثنا و ستایش خدا به صفات و اوصافی که مخصوص خداست.
  ۲. تسبیح و تنزیه خدا از هرگونه نقص و کاستی از قبیل فنا، محدودیت، نادانی و امثال آن.
  ۳. سپاس و شکر خدا به عنوان منشأ اصلی خیرها و نعمتها.
  ۴. ابراز تسلیم محض و اطاعت محض در برابر او و اقرار به اینکه او بلاشرط مطاع است و استحقاق اطاعت و تسلیم دارد.
  ۵. خداوند در هیچ یک از مسائل بالا شریک ندارد.
- بعد از خداوند که اطاعت مطلق و پیروی کامل از آن اوست نوبت به پیامبران به ویژه پیامبر رحمت حضرت ختمی مرتبت است و خداوند متعال در این زمینه فرموده است:

«وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»<sup>۲</sup>

«آنچه را که پیامبر برای شما آورد، بگیرید و آنچه را که بازداشت، خودداری ورزید.»

و باز در قرآن مجید فرموده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»<sup>۳</sup>

در سلسله مراتب ولایت، ولی مطلق خداست و او ولی و سرپرست مؤمنین است که آنها را از تیره گیها و تاریکیهای مطلق به سوی نور و رحمت دعوت و هدایت می‌نماید و سپس نبی رحمت است که «النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم» یعنی

۱. مجموعه آثار استاد مطهری، ج ۲، صفحه ۹۶.

۲. سوره حشر، آیه ۷.

۳. سوره نساء، آیه ۵۹.

پیامبر نسبت به مؤمنین از خودشان نسبت به خودشان سزاوارترند و آنگاه صاحبان امر که امامان معصوم و پیشوایان دین هستند و به اذن و اجازه باریتعالی نسبت به آنها اطاعت بی چون و چرا و محض صورت خواهد گرفت. این اطاعت از روی اجبار نیست بلکه از روی عشق و علاقه صورت می‌گیرد:

کیست کاشفته آن زلف چلیپا نشود      دیده‌ای نیست که بیند تو و شیدا نشود  
نازکن ناز که دل‌ها همه در بند تواند      غمزه کن غمزه که دلبر چو تو پیدا نشود  
ذره‌ای نیست که از لطف تو هامون نشود      قطره‌ای نیست که از مهر تو دریا نشود  
سر به خاک سرکوی تو نهد جان از دست      جان چه باشد که فدای رخ زیبا نشود.<sup>۱</sup>

یاران آن حضرت چنان ایمان به او دارند که حتی بامسح زین اسب او، تبرک و شفا می‌جویند «یتمسحون بسرج الامام (ع) یطلبون بذلک البرکة»<sup>۲</sup>

آنان برای اجرای دستورات مولایشان شب و روز نمی‌شناسند و به گاه خطر، جانشان را فدا می‌کنند. آنان مطیع‌تر از کنیز برای مولایشان هستند.

«و یَحْفُونَ به یقونَهُ بانفسهم فی الحروب و یکفونه ما یرید... هم اطوع له من الامة لسیدها»<sup>۳</sup>

آنان تا زمانی که خداوند راضی نشود، دست از شمشیرشان برنمی‌دارند:

«لا یکفون سیوفهم حتی یرضی الله عزوجل»<sup>۴</sup>

این حالات و تعبد و تسلیم محض ناشی از ولایت‌پذیری محض و اعتقاد خالص و بی‌شائبه است.

۱. دیوان امام خمینی (ره)

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، صفحه ۳۳۴.

۳. همان، صفحه ۳۴۴.

۴. همان.



یاران حضرت مهدی (عج) در زمان غیبت کبری نیز بر اساس روایات و ادله دیگر عقلی و نقلی ولایت فقیه را می‌پذیرند و سر تسلیم در برابر ایشان می‌نهند. و این تسلیم در مقابل فقیهی است که محافظ دین و مخالف هوی و هوس خویش و کنترل‌کننده نفس و مطیع خدا و رسولش و پیشوایان دین است و به راستی چه زیبا این اطاعت‌پذیری در زمان کنونی و در ایام جنگ تحمیلی از امت اسلامی ایران نمایان گشت.

دلاور مردانی که رشادتها و شجاعت‌های مکرر و ارزشمندی از خود نشان دادند عزیزانی که جان بر کف از همه آمال و آرزوهای دنیوی خود گذشتند و خانه و کاشانه را رها کردند و با اشاره رهبرشان به سوی جبهه‌های حق علیه باطل شتافتند و ایمان و تعبد راستین و واقعی خویش را نشان دادند همه از نمونه‌های ارزشمند یاوران حضرت مهدی (عج) می‌باشند. و به راستی امت کنونی از امت عصر پیامبر و امیرالمؤمنین بالاترند زیرا این اسوه‌های مقاومت و دلاوری همانند شهید همت، باکری، باقری، بروجردی، خرازی و ده‌ها عزیز شهید و گمنامان صحنه دلاوری و شهادت بدون دیدن امام معصوم (ع) و درک زمان پیامبر (ص) با دستور نایب‌الامام حضرت روح‌الله (ره) تمام وابستگی‌ها و تعلقات دنیوی را رها کردند و به ندای او لبیک گفتند و مشمول خطاب «یا ایها النفس المطمئنه» شدند.

امروز یاوران حضرت مهدی (عج) باید نیک بدانند که حفظ نظام جمهوری اسلامی و اطاعت از ولی فقیه و رهبری رمز پیروزی و حیات الهی آنها است. دشمنان هیچگاه از توطئه‌ها و برنامه‌ریزی جهت پراکندگی و تفرقه امت اسلامی و اختلال در حرکت الهی آنها و ایجاد فاصله بین ولی و مردم دست برنمی‌دارند. آنها با ایجاد شبهات و شایعات گوناگون سعی در مخدوش نمودن

چهره رهبری دارند و می‌خواهند با سیاهنمایی و بزرگ کردن کاستی‌ها و نقایص، نظام جمهوری اسلامی و حکومتی دینی را ناکارآمد و ناتوان جلوه دهند و بدینسان ثابت کنند که اداره کشور به وسیله مدیران غیردینی مقدور است و مدیران دینی از اداره کشور عاجزند و تخصص و تجربه‌ای فوق ایشان لازم است و در نهایت ثابت نمایند که دین افیون ملت‌هاست و موجب عقب‌گرد و رکود جامعه‌ها خواهد شد اما یاران حضرت حجت (عج) با آگاهی و بصیرت و عبودیت و بندگی نسبت به خدا و اطاعت‌پذیری به مقابله با شبهات می‌پردازند و همگی گرد شمع وجود مراجع عظام دینی و علماء گرانقدر به ویژه رهبر عزیزشان همچون پروانه‌ای در حرکت و تلاش هستند و جامعه اسلامی را متصل به جامعه فاضله و آرمانی امام زمان (عج) می‌نمایند.

امام حسن عسکری (ع) در سخنانی که در آخرین روزهای عمر، به فرزند خود فرموده، از یاران مخلص مهدی یاد کرده و فرزند را با یاد آن مردان باوفا دلداری داده است:

«روزی را می‌بینم که پرچمهای زرد و سفید در کنار کعبه، به اهتزاز درآمده، دستها برای بیعت تو، پی در پی صف کشیده‌اند. دوستان باصفا، کارها را چنان به نظم و ترتیب درآورده‌اند که همچون دانه‌های دز گرانبها که در رشته‌ای قرار گیرند شمع وجودت را احاطه کرده‌اند و دستهایشان برای بیعت با تو، در کنار حجرالاسود به هم می‌خورد. قومی به آستانه‌ات گرد آیند که خداوند آنان را از سرشتی پاک و ریشه‌ای پاکیزه و گرانبها آفریده است.»

دل‌هایشان از آلودگی نفاق و پلیدی شقاق پاکیزه است. به فرمانهای دینی فروتنند و دل‌هایشان از کینه و دشمنی پیراسته، رخسارشان برای پذیرش حق آماده است

و سیمایشان با نور فضل و کمال آراسته، آیین حق را می‌پرستند و از اهل حق پیروی می‌کنند.»<sup>۱</sup>

#### ۱۰. شجاعت

شجاعت از فضایل اخلاقی و ارزشمندی است که در مقابل ترس که از رذایل است قرار گرفته است و بسیار توصیه به کسب آن شده و مورد مدح و تمجید قرار گرفته است. ترس ناشی از ناتوانی نفس و ضعف ایمان و یقین است اگر انسان دارای نفس قوی و توانمند و غالب بر هواها و تمایلات درونی باشد و دارای ایمانی قوی به خدا و روز قیامت و سرای ابدی باشد و قدرت پروردگار را غالب و فوق هر قدرت بداند و عزت و کبریایی را از آن خداوند متعال بداند یقیناً ترس و دلهره و اضطراب در دل آنها نسبت به غیر خدا نیست و همواره در آرامش و اطمینان قلب هستند.

استاد عظیم‌الشان حضرت آیت الله جوادی آملی می‌فرماید: «سرّ اینکه در سوره مبارکه رعد این چنین قرائت می‌کنیم: «الا بذكر الله تطمئن القلوب»<sup>۲</sup> یعنی دلها تنها به نام و یاد خدا می‌آرمد، آن است که: «ذکر خدا» کار اوست و کار خدا «انزال سکینت» است. وقتی خدا آرامش را نصیب دل کرد، چنین دلی می‌آرمد، آنگاه هیچ عاملی توان نفوذ در این دل را نخواهد داشت. وقتی در این دل نفوذ نکرد، آن را منقلب و مضطرب نمی‌کند لذا در چنین دلی هراسی راه پیدا نکرده و هیچ خطری او را نمی‌لرزاند، لذا با سکونت الهی حرکت می‌کند.

بسیاری از سربازان صدر اسلام می‌گفتند: «هرگاه ما در جبهه‌های جنگ احساس

۱. بحار الانوار، ج ۲۵/۵۲.

۲. سوره رعد، آیه ۲۸.

خطر می‌کردیم و نائره جنگ افروخته می‌شد، همین که نزدیک وجود مبارک پیامبر گرامی (ص) شده و به آن حضرت پناه می‌بردیم احساس آرامش می‌کردیم، چون او «مأمن الهی» بود: «فأنزل الله سکینته علیه»<sup>۱</sup>. وقتی چنین شد انسان از هیچ خطری هراس ندارد.<sup>۲</sup>

امام خمینی (ره) چه نیک و زیبا سروده است:

یاد روی تو، غم هر دو جهان از دل برد

صبح امید، همه ظلمت شب باطل کرد

جان من گر تو مرا حاصلی از عمر عزیز

ثمر عمر جز این نیست که دل حاصل کرد

آشناگر تویی از جور رقیبم غم نیست

روی نیکوی تو هر غم ز دلم زایل کرد

یاوران حضرت مهدی دلیر مردند و جنگاوران میدانهای نبرد. دل‌هایی چون

پولاد دارند و از انبوه دشمن، هراسی به دل راه نمی‌دهند. ایمان به هدف همه

وجودشان را تسخیر کرده و عشق به خاندان پیامبر (ص) به بازوایشان قوت بخشیده

است. اراده جنگیدن، سرشار از شجاعتی بی‌همانند، آنان را به رزمگاه می‌کشاند.

دل مردن دارند و عشق به شهادت. عزت نفس و بلندی همت، آنان را از کوه بلند

پایه‌تر کرده و هیبتشان را در سینه ستمکاران دوچندان. غیور مردانند و ترسویان و

زبونان در جمعشان راه ندارند.

مولایشان اندامی پهلوانانه دارد، سینه‌ای ستبر و بازوان پولادین ورزیده.<sup>۳</sup>

۱. سوره توبه، آیه ۴۰.

۲. جوادی آملی، عبدالله، بنیان مرصوص امام خمینی (ره)، صفحه ۳۸۰، چاپ اسراء، دی ماه ۱۳۸۳.

۳. کشف الغمه فی معرفة الائمه، علی بن عیسی اربلی، ج ۳/۲۷۱؛ دارالکتاب الاسلامی، به نقل از

کتاب «چشم به راه مهدی» صفحه ۳۷۷.

یارانش قوت چهل مرد دارند. شیران میدان رزمند و جانهایشان از خاراسنگ، محکم‌تر.<sup>۱</sup>

شجاعت بی‌بدیل ایشان، ترس را بر دل‌های مستکبران چیره ساخته و پیشاپیش راه‌گریز پیش می‌گیرند، چنانچه حضرت باقرالعلوم (ع) فرمود:

«گویا، آنان را می‌نگرم، سیصد و اندی مرد بر بلندای نجف و کوفه ایستاده‌اند. دل‌هایی چون پولاد دارند. در هر سو، تا مسافت یک ماه راه، ترس بر دل‌های دشمنان سایه می‌افکند.»<sup>۲</sup>

در سوارکاری و تیراندازی بی‌نظیرند: «خیر الفوارس» در رزمگاه نشان شجاعان بر تن دارند و چونان یاران پیامبر (ص) در نبرد بدر، نشانه ویژه بر سر نهاده‌اند.<sup>۳</sup>

۱۱. بردباری و استواری

یاوران مهدی (عج) چون کوهی استوارند و در مقابل سختی‌ها و مصائب قامت خم نمی‌کنند و صبر و بردباری خود را حفظ می‌کنند همانگونه که حضرت امیر (ع) فرمود:

«لا یَعْدَمُ الصَّبْرُ الظَّفَرَ وَ ان طَالَ بِهِ الزَّمَانُ»<sup>۴</sup>

«انسان شکیبا، پیروزی را از دست نمی‌دهد هرچند زمان آن طولانی شود»

همانگونه که سابقاً گفته شد در عصر حضرت حجت (ع) کارها به سادگی و بدون سختی و درگیری تحقق نمی‌یابد و اینگونه نیست که مردم در رفاه و لذت و خوشی باشند. در سایه شمشیرها و مبارزات فراوان است که به خیر و پیروزی

۱. خصال، شیخ صدوق، ترجمه کمره‌ای، جلد ۲/۳۱۸، اسلامیه، به نقل از همان.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲/۳۴۳.

۳. همان، صفحه ۳۱۰.

۴. نهج البلاغه، حکمت ۱۵۳، ترجمه محمد دشتی.

دسترسی پیدا می‌شود و حضرت مهدی (ع) خود لباس خشن می‌پوشد و طعام ناگوار می‌خورد و سختی‌ها می‌بیند:

«ما لباس القائم الا الغلیظ و ما طعامه الا الجشِب»<sup>۱</sup>

حضرت امیر نیز در وصف یاران حضرت مهدی (ع) می‌فرماید:

«او از یارانش بیعت می‌گیرد که طلا و نقره‌ای نیندوزند و گندم و جویی ذخیره نکنند و لباس خشن بپوشند»<sup>۲</sup>.

یاوران حضرت مهدی (عج) در راه تحقق آرمان‌های جهانی حضرت مشکلات و مصائب فراوانی را به جان می‌خرند ولی از سر اخلاص و تواضع عمل خود را هیچ می‌پندارند و بر خدا نیز منت نمی‌نهند.

امام علی (ع) فرمود:

«قوم لم یُمنوا علی الله بالصبر»<sup>۳</sup>

و از این که نقد جان خویش را در کف اخلاص نهاده، تقدیم آستان دوست می‌کنند، هرگز به خود نمی‌بالند و آن را بزرگ نمی‌شمارند:

«ولم يستعظموا بذل انفسهم فی الحق».

آنان در مسیر الهی خویش استقامت دارند و هیچ گونه تزلزلی در اراده آهنین و عزم پولادین آنها ایجاد نمی‌شود و از سرزنش هیچ ملامت‌گری نمی‌هراسند.

قرآن اوصاف یاران حضرت مهدی (عج) را چنین می‌فرماید:

«ای مؤمنان هرکس از شما مرتد شد و از اسلام بیرون رفت، خداوند در آینده جمعیتی را می‌آورد که دارای این پنج امتیاز هستند:

۱. منتخب الاثر، صفحه ۴۶۹.

۲. یوم الخلاص، صفحه ۲۲۳؛ به نقل از مجله انتظار، شماره ۳، بهار ۸۱، سال دوم، مقاله مهدی یاوران.

۳. همان.

۱. هم خداوند آنها را دوست دارد و هم آنها خدا را دوست دارند.
  ۲. در برابر مؤمنان خاضع و مهربانند.
  ۳. در برابر مشرکان و دشمنان سرسخت و نیرومندند.
  ۴. به طور پیگیری در راه خدا جهاد و تلاش می‌کنند.
  ۵. در مسیر انجام وظیفه از سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای نمی‌هراسند.
- این فضل خدا است که به هر کس بخواهد و شایسته ببیند می‌دهد، فضل و رحمت خدا وسیع است و او بر همه چیز آگاه است.<sup>۱</sup>
- امام صادق (ع) خصوصیات مذکور در آیه را اوصاف یاوران حضرت مهدی (عج) می‌داند.

وقتی که حجر بن عدی آن بزرگمرد خدا با یارانش به فرمان معاویه به شهادت رسیدند، امام حسین (ع) بزرگترین چهره انقلابی تاریخ به عنوان اعتراض به معاویه نوشت و در آن نامه بخصوص این ویژگی حجر و یارانش را تذکر داد و نوشت: «تو کسانی را کشته‌ای که امر به معروف و نهی از منکر می‌کردند، گناه را بزرگ می‌شمردند و لا تخافون فی الله لومة لائم، و در راه خدا از ملامت، ملامت‌کنندگان نمی‌هراسند.»<sup>۲</sup>

۱۲. نظم و انضباط

نظم و انضباط از ویژگیهای مهم و لازم سپاهیان حضرت مهدی (عج) است. چنانچه جامعه‌ای فاقد این ویژگی باشد نمی‌تواند به رشد و تعالی خود برسد و دچار هرج و مرج می‌گردد و کارایی و موفقیت خود را از دست می‌دهد. این ویژگی خصوصاً در نیروهای نظامی باید به صورت بسیار روشن عمل شود و همانگونه که حضرت امام خمینی (ره) فرمود:

۱. سوره مائده، آیه ۵۹.

۲. محمدی اشتهاردی، حضرت مهدی (عج)، فروغ تابان ولایت، صفحه ۲۱۱.



«باید همه امور بر نظام و نظم باشد... حفظ نظم از واجبات الهی است»<sup>۱</sup>.

مقام معظم رهبری فرمود:

«انضباط یکی از ضروری ترین مسائلی است که برای یک نیروی نظامی باید

تأمین شود و به هیچ وجه قابل اغماض نیست... انضباط مسأله‌ای الهی و رحمانی

است»<sup>۲</sup>.

ایشان در جای دیگر فرمودند:

«... ما معتقدیم که نظم و انضباط امروز جزو بیت های بلند قصیده انقلاب است در

همه شئون جامعه، در همه تشکیلات اداری، در زندگی عادی مردم باید نظم و

انضباط برقرار باشد، نظم از اسلام است. امیرالمؤمنین فرزندان خود را به نظم

دعوت کرده است و وصیت کرده است»<sup>۳</sup>.

پیامبر اسلام سمبل نظم بود. در زندگی شخصی، اوقات خود را تقسیم می‌کرد و

عبادت و استراحت و روابط خانوادگی و اجتماعی حضرت، براساس نظمی روشن

مشخص شده بود. مولی الموحدین علی (ع) در وصیت گهربار خویش به امام حسن و

امام حسین (ع) پس از ضربت ابن ملجم که لعنت خدا بر او باد فرمود:

«اوصیکما و جمیع ولدی و اهلی و من بلغه کتابی، بتقوی الله و نظم امرکم و

إصلاح ذات بینکم»<sup>۴</sup>.

«شما را و تمام فرزندان و خاندانم را، و کسانی را که این وصیت به آنها می‌رسد به ترس

از خدا و نظم در امور زندگی، و ایجاد صلح و آشتی در میانتان سفارش می‌کنم».

۱. صحیفه نور، ج ۱۳، صفحه ۱۵.

۲. دزهای استوار، صفحه ۱۷۸.

۳. همان، صفحه ۱۸۰.

۴. نهج البلاغه، نامه ۴۷، ترجمه محمد دشتی.

یاران حضرت مهدی (عج) نیز دارای نظم و تشکیلاتی متناسب با حکومت جهانی آن بزرگوار هستند.

از یاران امام برخی سمت نقابت و نمایندگی دارند و دیگران در اختیار این گروهند. سپاهیان امام از لباس یکسان استفاده می‌کنند. نیروهای متحدالشکل و منظم مهدی، منظم‌ترین نیروهای رزمی جهانند.

علی (ع) آنان را این گونه می‌ستاید:

«کافی انظر اليهم والزيّ واحد والقد واحد والجمال واحد و اللباس واحد»<sup>۱</sup>.

«گویا آنان را می‌نگرم، زی و هیأتی یکسان، قد و قامت برابر، در جمال و برازندگی همانند و هم لباسند».

در آغاز و انجام کارها، سازماندهی دارند و در بیعت با امام و دعوت به قیام و جهاد با دشمنان هماهنگ عمل می‌کنند. دوستانی باصفایند و کارها را ماهرانه به نظم و ردیف درآورده‌اند و پیشاپیش، مقدمات حرکت را برای امام فراهم می‌کنند.<sup>۲</sup>

۱. الملاحم والفتن / ۱۴۸، به نقل از کتاب «چشم به راه مهدی»، صفحه ۳۸۴.

۲. بحارالانوار، ج ۳۵/۵۲، به نقل از مصدر پیشین.

شهره نه آسمان از حکیم عارف امام خمینی (ره)<sup>۱</sup>

مصدر هر هشت گردون، مبدأ هر هفت اختر  
خالق هر شش جهت نور دل هر پنج مصدر  
والی هر چار عنصر، حکمران هر سه دفتر  
پادشاه هر دو عالم حجت یکتای داور  
آن که جودش شهره نه آسمان، بل لامکان شد  
مصطفی سیرت، علی فر، فاطمه عصمت، حسن جو  
هم حسین قدرت، علی زهد و محمد علم و مه رو  
شاه جعفر فیض و کاظم علم و هشتم قبله گیسو  
هم تقی تقوا، نقی بخشایش و هم عسگری مو  
مهدی قائم که در وی جمع اوصافی چنان شد  
پادشاه عسگری طلعت، نقی حشمت، تقی فر  
بوالحسن فرمان و موسی قدرت و تقدیر جعفر  
علم باقر، زهد سجاد و حسینی تاج افسر  
مجتبی حکم و رضیه عصمت و دولت چو حیدر  
مصطفی اوصاف مجلای خداوند جهان شد

گلزار زندگی از فقیه بصیر حضرت آیت الله خامنه‌ای

دل را ز بیخودی سر از خود رمیدن است

جان را هوای از قفس تن پریدن است

از بیم مرگ نیست که سر داده‌ام فغان

بانگ جرس ز شوق به منزل رسیدن است

دستم نمی‌رسد که دل از سینه برکنم

باری علاج شوق، گریبان دریدن است

شامم سیه‌تر است از گیسوی سرکشت

خورشید من بر آی که وقت دمیدن است

سوی تو ای خلاصه گلزار زندگی

مرغ نگه در آرزوی پر کشیدن است

بگرفته آب و رنگ ز فیض حضور تو

هر گل در این چمن که سزاوار دیدن است

با اهل درد شرح غم خود نمی‌کنم

تقدیر قصه دل من ناشنیدن است

آن را که لب به جام هوس گشت آشنا

روزی «امین» سزا لب حسرت گزیدن است

## حسن ختام

دعای امام علی بن موسی الرضا(ع) در حق امام زمان(عج)

بار خدایا ولی و جانشین خود و حجت بر آفریدگانت را پشتیبان باش.

خداوندا به وسیله او شکافها را برطرف ساز و گسیختگی‌ها را به هم پیوسته کن

ستم‌ها و نابرابری‌ها را با او بمیران و عدل و داد را آشکار ساز، زمین را با درازای

ماندگاری‌اش بیارای او را با نصرت خویش حمایت کن و با بیم (و هراسی که دردل

دشمنان می‌افکنی) پیروز ساز.

هر کس او را یاری می‌کند پیروز گردان و هر کس از یاری او دریغ می‌کند پیروز و هر

کس از یاری او دریغ می‌کند به حال خود واگذار.

هر کس که طرح دشمنی با او در افکند هلاک ساز و هر کس را که از در نیرنگ با او

در آید نابود کن.

سردمداران کفر و تکیه‌گاهها و استوانه‌های آن را به وسیله او به هلاکت رسان

و گمراه کنندگان، بدعت‌گذاران، محوکنندگان نعمت و تقویت‌کنندگان باطل را در

هم شکن. همه گردنکشان را به دست او خوارساز و همه کافران و بی‌دینان را در

هر جای زمین که هستند در مشرق‌ها و مغرب‌ها، در خشکی‌ها و دریاها، در جلگه‌ها

و کوهستان‌ها برانداز؛ تا آنجا که از آنها کسی باقی نماند و اثری بر جای نماند.<sup>۱</sup>

---

۱. شیخ طوسی، مصباح المتعجد، ص ۳۶۶؛ به نقل از کتاب سپیده امید، ص ۱۲۷.

این مجموعه که با بضاعت مزجات این حقیر جسورانه نگارش یافت در روز شهادت ثامن الائمه حضرت علی بن موسی الرضا (علیه آلاف التحية و الثناء) به سال ۱۳۸۵ هجری شمسی مطابق با ۲۹ صفر المظفر سال ۱۴۲۷ هجری قمری خاتمه یافت و به همین مناسبت با دعای آن بزرگوار به عنوان حسن ختام مزین گردید.

## کتابنامه

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه: ترجمه: محمد دشتی، انتشارات زهد، چاپ دوم، زمستان ۷۹.
۳. ابن صباغ علی بن محمد بن احمد مالکی: الفصول المهمة فی معرفة احوال الائمة، بیروت، مؤسسه اعلمی، ۱۴۰۸ هـ ق
۴. اسحاقی، سید حسن: سپیده امید (کاوشی در مهدویت)، تهیه: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ناشر: مؤسسه بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی) چاپ دوم، سال ۸۲
۵. ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید: شرح نهج البلاغه، کتابفروشی اسماعیلیان قم.
۶. بحرانی: البرهان فی تفسیر القرآن، ۱۰ جلد، تحقیق و نشر مؤسسه بعثت، ۱۴۱۹ هـ ق
۷. پژوهشکده تحقیقات اسلامی، جهاد در آینه قرآن، انتشارات زمزم هدایت، چاپ اول، پاییز ۸۳
۸. پور امینی، محمد باکر، جوانان یاوران مهدی، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، چاپ چهارم تهرانی، میرزا ابوالفضل، شرح زیارت عاشورا، بی تا.
۹. جمال زاده، عبدالرضا: کاوشی در آراء کلامی فیض کاشانی، سال ۸۲، انتشارات سما.
۱۰. جمعی از نویسندگان حوزه: چشم به راه مهدی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ دوم، سال ۱۳۷۸.



۱۱. جمعی از نویسندگان: دائرة المعارف تشیع، جلد ۳، انتشارات محبی.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله: بنیان مرصوص امام خمینی (ره)، مرکز نشر اسراء، چاپ پنجم.
۱۳. حاجی صادقی عبدالله: آسیب شناسی ارکان انقلاب اسلامی، انتشارات زمزم هدایت، چاپ اول، ۱۳۸۳ هـ ش
۱۴. حویزی، عبدعلی بن جمعه عروسی: تفسیر نورالثقلین، قم انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۲ هـ ق
۱۵. خراسانی، محمد جواد: مهدی منتظر، تحقیق و تعلیق: سید جواد میر شفیعی خوانساری، انتشارات بنیاد پژوهشهای علمی فرهنگی نورالاصفیاء، چاپ دهم.
۱۶. خمینی، روح الله: دیوان امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، چاپ ۱۳، سال ۱۳۷۷ هـ ش
۱۷. روحانی نژاد، حسین: تعلیم و تربیت اسلامی، انتشارات کوثر غدیر، چاپ اول، بهار ۸۲
۱۸. شجاعی، محمد: آشتی با امام زمان (عج)، انتشارات محبی، چاپ دوم، زمستان ۸۱
۱۹. صافی گلپایگانی، لطف الله: منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، مؤسسه السیده المعصومه، ۱۴۱۹ هـ ق
۲۰. صدوق: اکمال الدین و تمام النعمة، تحقیق: علی اکبر غفاری، چاپ اول، ۴۰۵ هـ ق
۲۱. طباطبایی، محمد حسین: تفسیر المیزان، انتشارات جامعه مدرسین
۲۲. الطبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، ۵ جلد، چاپ اول
۲۳. علامه مهري، سيد مصطفى: مهدی موعود یارانی اینگونه دارد، انتشارات علامه بحرانی، چاپ اول، زمستان ۸۰
۲۴. قمی، شیخ عباس: مفاتیح الجنان
۲۵. قندوزی، شیخ سلیمان: ینابیع المودة، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات
۲۶. کورانی، علی: عصر ظهور، ترجمه: عباس جلالی، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، زمستان ۱۳۶۹
۲۷. گنجی، حسین: چهارده گفتار پیرامون ارتباط معنوی با حضرت مهدی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ اول، پاییز ۸۳
۲۸. مجلسی، محمد باقر: بحار الانوار، جلد های ۵۲، ۵۳، ۵۴، چاپ بیروت.

۲۹. محمدی اشتهاردی، محمد: حضرت مهدی (عج) فروغ تابان ولایت، انتشارات مسجد جمکران، چاپ چهارم، پاییز ۷۸
۳۰. —————: سیره چهارده معصوم، نشر مطهر، چاپ چهارم، بهار ۸۱
۳۱. مرکز تخصصی مهدویت: فصلنامه علمی تخصصی انتظار، سال دوم، شماره ۶، زمستان ۸۱
۳۲. —————: ره توشه مهدی یاوران، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، چاپ اول، پاییز ۸۱
۳۳. معجم احادیث المهدی، تحقیق و نشر: بنیاد معارف اسلامی قم، ۶ جلد، ۱۴۱۱ هـ ق
۳۴. المقدسی السلمی، یوسف بن یحیی بن علی: عقد الدرر فی اخبار المنتظر، مکتبه عالم الفکر، قاهره
۳۵. مهتدی، محمد هادی و شیخیان علی: دژهای استوار در رهنمودهای حضرت امام و مقام معظم رهبری، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، چاپ اول، بهار ۷۸
۳۶. هاشمی شهیدی، سید اسدالله: ظهور حضرت مهدی (عج)، انتشارات مسجد جمکران، چاپ اول، تابستان ۸۰
۳۷. —————: زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج)، انتشارات پرهیزگار قم، چاپ دوم، بهار ۸۲
۳۸. هیئت عاشقان بقیه الله: با باغبان در گلستان دعاء، انتشارات بنیاد پژوهش علمی فرهنگی نورالاصفیاء، چاپ پنجم، سال ۱۳۸۲
۳۹. ویلیام جیمز: دین و روان، ترجمه: قاینی
۴۰. یزدی حائری، شیخ علی: الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب، ۲ جلد، قم ۱۴۰۴ هـ ق